۱۰۷۲۹
۸۸۰۷۴

۱۱۰۱ -

ص ۱

حضور مبارک جناب شریعتمدار [illegible]

قبل از هر موضوع [illegible] قرآن علی مرتضی را منظور [illegible] - [illegible] دین افضل الاعمال الحب فی الله

والاخذ فی الله والبغض فی الله والعطاء فی الله سبحانه - یعنی بالاترین [illegible]

دین آنست در راه خدا [illegible] در راه خدا خشم آید در راه خدا بگیرد در راه خدا [illegible]

در دنیا برای خدا باشد . پس از آن [illegible] تصدیق خواهید فرمود [illegible] حق [illegible]

[illegible] در زمان خود [illegible] حکمت و فضل [illegible] گفته بود [illegible]

و تعجب [illegible] .

[illegible] در [illegible] حق [illegible] در [illegible] تصرف خواسته حقیقت

[illegible] قرآن علی (التصوف اربعة - شریعت و طریقت و معرفت و حقیقت)

التصوف [illegible] وجود [illegible] .

[illegible] حق تعالی [illegible] اصطلاح [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] هر شخص [illegible] خواهد [illegible]

[illegible] خواهد گشت و [illegible]

[illegible]

[illegible]

ثروت پرداخت و علاوه [illegible] کرد و کام جان [illegible] از [illegible]

مذهب [illegible] وجود [illegible] کتب [illegible] حکمت [illegible] داشته [illegible]

[illegible] (کلام) [illegible]

[illegible]

۴

بعد به محضر کلام حق ... در شریف کرد این کتاب مقدس آسمانی ... آن را نظر کرد ...

و ... نظر ... ۱۳۲۸ ... ۱۸۱ ... آیه ... سیانه آیه ... حرف ...

... محمد مصطفی ... قرآن ... جواب ... خود قرآن ...

کشیده ... روح ... حقیقت ... قرآن ...

... ان ... است ... بزرگ ... از ...

... وصال ... در ... است ...

... بر ... است ... (حقیقت) ...

... حقیقت ... حقیقت ...

... حق ... است ...

... (۱۰۱) ... نتیجه ...

... عالم حقیقت ...

... عالم ...

۵

آیت الهی – سلسله طریقه علیه نقشبندیه – از حضرت ختمی مرتبت محمد عربی صلی الله علیه و آله

بعد – ابوبکر صدیق – بعد – سلمان فارسی – بعد – امام قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق – بعد – امام جعفر صادق

بعد – بایزید بسطامی – بعد – شیخ ابوالحسن خرقانی – بعد – خواجه ابوعلی فارمدی – بعد – خواجه یوسف همدانی

بعد – خواجه عبدالخالق غجدوانی – بعد – خواجه عارف ریوگری – بعد – خواجه محمود انجیر فغنوی – بعد – خواجه

رامیتنی – بعد – خواجه محمد بابای سماسی – بعد – سید امیر کلال – بعد – خواجه بهاءالدین اویسی بخارائی مشهور به شاه نقشبند – بعد – خواجه

علاءالدین عطار بخارائی – بعد – مولانا یعقوب چرخی حصاری – بعد – خواجه عبیدالله احرار سمرقندی – بعد – خواجه محمد زاهد

بعد – خواجه محمد درویش – بعد – خواجگی امکنگی – بعد – خواجه محمد باقی – بعد – شیخ احمد فاروقی سرهندی امام ربانی – بعد –

عروة الوثقی خواجه محمد معصوم – بعد – شیخ سیف الدین – بعد – سید محمد نور بدوانی – بعد – شمس الدین حبیب الله جان جانان مظهر –

بعد – شاه عبدالله دهلوی – بعد – مولانا ضیاءالدین شیخ خالد شهرزوری کرد – بعد – حاجی محمد صدیق در بخارا

اعلی حضرت بنده ... الجیلانی – بعد – حاجی عبدالکریم – جد بنده ... – بعد – حاجی شیخ محمد ... کردستانی بود ... الاصل

بعد – بنده شیخ محیی الدین آیت الهی – ساکن ... – ... بخارائی ...

تبعه از بخارا ... از ... ترکستان ... – سنندج – ... مشهور ... – ... بنده – ... سال

در آنجا ... میخوانند – بعد ... سنندج ... – ... بدان هجرت میکنند – ...

در سنندج ... منزوی ... – علوم ... – ...

منزوی و ... خودم ... اختیار کرده – ... دارم – ...

خودم را ... دارم – ... اخراج ... – ...

... ملیت ...

... از ... مولد ...

متقدک اسلام ... از طرف ... روحانیون ... اسلام به مذهب

تعلیم داده اند – ... به عوام ... حقایق را از زبان ... – ...

و ... از ... خرافات ... – ... اجتناب ... و طالب ... ایشان ...

البته ... ونفی ... پاک کرد – ... عقل سلیم – ... گردد –

نجات ... – و با عمل مقصود ... – ... لازم به توضیح نیست – ...

... معلوم است – و طریق ... – العاقل یکفیه الاشاره –

سلسله های طریقه – قادریه – سهروردیه – کبرویه – چشتیه – مولویه – و نقشبندیه – ...

نسبت به طایفه ... – ... – خرق العاده ... – از قبیل ...

خوردن ... و ... آتش ... نزدن – که از ... سر ... میکنند –

... و طریقتی ... – و عمل ... – فقط ...

حق ... و کمک ... اولیاءالله است – و اراده ... حضرتشان ...

ریاضت ... و ... در کارشان ... – یعنی سادگی ذکر ... است –

... تقدیم ... –

۱۳۳۸
۱۳۳۸
۱۳۳۸
۱۳۳۱
۱۳۳
۱۳۳۸
۱۳۳
۱۳۳۸
۱۳۳۸
۱۳۳۸
۱۳۳۰
۱۳۳۰
۱۳۳۰
۱۳۳
۱۳۳۹
۱۳۳۹
۱۳۳۹
۱۳۳۹
۱۳۴
۱۳۴۰
۱۳۴
۱۳۴۰
۱۳۴۰
۱۳۴۰
۱۳۴
۱۳۴
۱۳۴
۱۳۴۰
۱۳۴۰
۱۳۴۱
۱۳۴۰
۱۳۴۱
۱۳۴۱
۱۳۴۱
۱۳۴۱

۵۶/۲/۲۷

بعرض میرساند — بیماری ذات الریه باعث تأخیر
جواب گردید. راجع به شرح حال اینجانب، اینک
با حال کسالت مطالب بطور اختصار مرقوم و تقدیم گردید —
راجع به نشریات اینجانب چون در اثر [illegible] بمصرف
رسیده نسخه آنها نایاب شده است، با عجله تقدیم
است معذورم —
راجع به دین اسلام در نشریات اینجانب روشن شده
که دینی که با حریت زمان قوام است، فقط و فقط
دین اسلام است، که در قرآن ذکر شده و خرافات
و موهومات را با طبع که چنین ادیان نادان بنام اسلام
جلوه اختلاق کرده‌اند (در صفحه)
در کتاب (دین و تمدن) نوشته‌ام

[illegible]

صورت تالیفاتی که چاپ نشده (۸۱)

فلسفه و ارتقاء	آیین تعلیم و تربیت
سیاسة المدن	آداب مناظره
حکمة الاحکام	آداب محاوره
بدیع	مولود نامه
بیان	قصاید و غزلیات
وضع و اشتقاق	خطبه‌ها
منطق	جغرافی عمومی
فیزیک	مجموعهٔ تاریخ مرحوم
احکام نجوم	مجموعهٔ رموز آفرینش
منتخبة الاعلام	فلاحت
تشریح بدن	طب حی
شرح اسطرلاب	حساب
شرح علقه کریمه	مرآة المعرفه
شرح چغمینی	جبر و اختیار
شرح حال صلاح الدین ایوبی	جلد چهارم علم
شرح حال ابوعلی سینا	بهشت و دوزخ
شرح حال خلفاء راشدین	رومان
شرح چند فقره اشعار حافظ	مقدمة القواعد
شرح قسمتی از الفاظی	۱۲ رساله در مباحث مختلفه
شرح معما	
تاریخچه لغت	

همه گفته باشان چرند و چه بد   شبق در حماقت از هم چه بد

نه علم و نه فهم و نه مغز و شعور   فقط ذهنشان خوی چون کلک سود

دهن داده بر من خیال آوره ام   اذا این خودی بمواره بپرده ام

و با رقیبان که دچار

خداوند گفته با فاعتدوا

فاعتدوا — پاره بیستم (۱۹۰) سوره بقره همانا فمن اعتدی علیکم

فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم —

~ صورت تألیفات چاپ و منتشر شده اخیر

کتاب (تاریخ مورخین) راجع به اوضاع ایران با نقشه و تصاویر در ۵ جلد

کتاب (فرهنگ صحیح) مشتق و واژه های اروپائی و عربی مصور در ۵ جلد

فقه جعفری — در بیست فن — در چهار جلد

اصول فقه	یکجلد	منتخب الخواص	یکجلد
صرف	″	طب جدید [illegible]	″
نحو	″	پرچم پاکان	″
منطق	″	جغرافیای مشروح	″
حساب	″	مقنعه	″
هندسه	″	اصطلاح مصطلحات	″
جبر و مقابله	″	عقیده و رهبری	″
مواریث	″	تاریخچه تشیع	″
رموز آدمیت	″	زبان ما	″
فلسفه الاحکام	″	حروف ما	″

جان و جهان	″	شفاء العلیل
تاریخ نامه فارسی	″	[illegible]
تاریخ نامه [illegible]	″	مرد اختلاف
پرسشها	″	توضیح شبهه
چهارده سؤال	″	رد باب و بهائی
حول التعصب	″	مطهرات تثلیث طلاق
تیم رستگاری	″	جواب معترضین
آئین رستگاری	″	چاره بدبختی
غذای اعتقاد	″	رحمت ربا
غذاء الاعتقاد	″	ام الکتاب
سرمایه ثروت	″	جهان ما
رهبر برتر	″	زمین و آسمان
رهنمای سعادت	″	دین و آئین
دانش و دین	″	پیرامون ماده که فرزاده
مناسک حج	″	پیغام صاحب الزمان
یزدان و اهرمن	″	مانده —
گفتارها	″	
پاسخ یزدی	″	
پاسخ به پاسخ	″	
پاسخ به خمینی	″	
سقوط سقیفه	″	
توضیح سقوط	(۳)	

بامرداد

اینجانب شیخ محمد مردوخ، ملقب به جمال الدین، شهرت آیت الله، شناسنامه شماره ۵۰ سنندج، خلف مرحوم شیخ عبدالمؤمن امام جمعه کردستان. متولد سال (۱۲۵۶) خورشیدی. از ده سالگی الی اقتدار جلای وطن و سیاست شدم. که قسمتی از جانبازیهای من را جهت خلع کردستان و مبارزه با متنفذین محلی، و مساعدتهائی که به دولت نموده‌ام در جلد دوم کتاب (تاریخ مردوخ) ضبط شده است. حماسه زیر را در احوال خود سروده‌ام —

حماسه

منم آن خداوند سیف و قلم | منم جلوه آرای علم و علم
منم جامع علم و فضل و هنر | منم رهبر در مبانی بشر
منم آن جهانگیر مردوخ راد | که مانند من مام گیتی نزاد
نگفته جز این کسی تاکنون | بهنگام بحث و جدل در فنون
مرا از قلم پرس و اسب و تفنگ | شب و کوه و صحرا و میدان جنگ
به ده تیر ده تیر را میزنم | به شمشیر آهن زره در افگنم
به روز نبرد و بهنگام کین | فتاده ز تیرم بروی زمین
چو شهباز دم اندر گه کارزار | بمیدان علم و هنر شهسوار
بشیرین زبانی و لطف سخن | چو شمع فروزان هر انجمن
مرا علم در دانش نه کسبی بود | ز فضل خداوند و هبی بود
فقط خط لاتین ز استاد بود | علوم و صنایع خدایاد داد
ز سرمشق گشتم به نقش بصیر | قدا میرزا نقش زراد خیر

ز صرف و ز نحو و بدیع و بیان | همه خود بخود گشت بر من عیان
ز فقه و اصول و حساب و نجوم | ز هیئت و شکل و ضرب و زیج و رقوم
ز طب و ز تشریح و تاریخ عام | ز تفسیر و منطق حدیث و کلام
ریاضی و رسمی قدیم و جدید | علوم و صنایع نهانی یا پدید
بنحو و هدایت به یزدان بود | بدیع و شگفتت سببی و خود بود
چراغ ذکاوت برافروختم | همه علم و صنعت خود آموختم
ز ذوق و ز رشک و کلیسا | ز تعبیر و تکثیر و رمل و سیمیا
ز اعداد و اکسیر و سحر و طلسم | قدیم و نتیجه از آنها جزم
همه حیله و حقه بازی که بود | به کسب آن خود همه سوز دود
هر آنکس که و خیال افتاده بود | جز افسرده و حسرت چیزی نبود
سپس در عقاید شدم غوطه‌ور | فنون و ملل یک بیک افکندم نظر
خدا و حقیقت چو دریافتم | به میدان تحقیق بشتافتم
ز روی خرد پرده برداشتم | بکشف حقایق قدم افراشتم
فروع حقایق و دادم دید | نوشتم هر آنچه قلم را رسید
کتب در سایر پراکنده‌ام | درخت خرافات برکنده‌ام
مرا هم ز تألیف و نشر کتب | فقط کشف حق بود و دفع حجب
ولی خودپرستان برآشفتند | بهر حیله دم علم را خفتند
بجوش تن و دشمنی و بلا | شد آنگاه جمله و حسد بر ملا
ز هر در که کردند سعی و تلاش | به الله بینی خویش کرده فاش
نگو خورده و خوار و رسوا شدند | مرا گفته در کوی و ماوی شدند
عیان شد بهرکس که فهمیده است | که در لافشان مغز گندیده است

۱۲۹

نمره ۱

۲۹/۴/۹

عرض میشود [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible]

[illegible] والسلام [illegible]

۵۲/۲/۱۸ ص ۱۱

هو ۱۱

سرور بزرگوار حضرت پیر بزرگوار جناب [illegible] دام برکاته

مدتهاست ما به سعادت عریضه [illegible] مشغول [illegible] هستیم امیدواریم که همگی اوقات خوش و خرم و تندرست باشید. مکتوب عزیز [illegible] زیارت گردید. اتفاقاً با آقای حاج محمود [illegible] کار داشتیم و مطالب [illegible] مکتوب شما را حضورشان [illegible] عرض سلام خدمت [illegible] خود را [illegible] آقا [illegible] در نامه قبلی خدمت عرض کردیم [illegible] در ۵۲/۲/۱۲ [illegible] روز جمعه فوت نموده [illegible] دنیای تاریک [illegible] بسیار [illegible] خدمت [illegible] خواهیم نمود. [illegible]

در تاریخ ۵۲/۲/۱۸ فرزندی پسر با لطف خداوند [illegible] مرحوم [illegible] اسم [illegible] که [illegible] لطف الله [illegible] خواهد شد. [illegible] خدمت سرکار خانم [illegible] سلام برسانید. [illegible] اهواز به تهران تشریف [illegible]. البته [illegible] که از این جهت [illegible] قرار است. [illegible] اهواز [illegible] حق [illegible] تهران [illegible] جواب [illegible]. البته خواهید [illegible] خیلی مشتاق دیدار [illegible] و اگر [illegible] خوزستان [illegible] رفقا و همکاران [illegible] اهواز [illegible] البته دولت [illegible] [illegible] گرفته [illegible] منزل [illegible] البته [illegible] تألیفات شما [illegible]

[illegible] (margin notes and signature)

۲۵/۱/۵۲
موافق ۱۰ ربیع الاول
۱۳۹۲

یاهو ص ۱۲

حضور مبارک محبوب معنوی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] بأجماع الخواص والكتاب والسنة من لدنه رسول الله صلى الله عليه وسلم الى وقت الساعة وأما اجماع الخواص فسلسلة التلقين
في الطريقة هكذا انتقل من الله الجليل الى جبرئيل ومنه الى رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم منه الى علي كرم الله وجهه ثم منه الى الحسن البصري
ومنه الى حبيب العجمي الى آخر السلسلة العلية القادرية الشيخ عبد القادر الگيلاني رضوان الله تعالى عليهم اجمعين. وأما الكتاب فقد قال الله تعالى
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك. وسبب نزوله على ما ورد في بستان الشريعة ان عليا عليه السلام جاء الى النبي
قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم دلني الى اقرب الطريق وافضلها عند الله واسهلها على عباد الله تعالى. فتوجه النبي صلى الله عليه وسلم
فنزل الوحي بقوله تعالى فاعلم انه لا اله الا الله [illegible] بالعلم [illegible] فتبين الوحي على ان هذه الكلمة هو مفتاح خزائن الله تعالى
وعلمه. وفي بعض الاسانيد المتصلة ان النبي صلى الله عليه وسلم قال عليك بما نلت به النبوة قال وما ذاك يا رسول الله قال مداومة ذكر الله
في الخلوة قال هكذا فضيلة الذكر وكل الناس ذاكرون فقال صلى الله عليه وسلم يا علي لا تقوم الساعة وعلى وجه الارض من يقول الله الله
بالقلب الحق ثم [illegible] كالمعلم تلقى النبي صلى الله عليه وسلم ثلث مرة لا اله الا الله امر جبرئيل ان يلقن علياً (ع)
لانه اول من التمس التلقين فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم اغمض عينيك يا علي والصق حتى اذكر ثلث مرة وانت تسمع مني
ثم قل ثلثاً وانا اسمع منك فقال صلى الله عليه وسلم لا اله الا الله ثلث مرة نافيا عن يمينه مثبتا الى شماله مغمضاً عينيه
رافعاً صوته وعلي يسمع ثم قال علي كرم الله وجهه لا اله الا الله ثلث مرة نافيا عن يمينه ومثبتا الى شماله مغمضا
عينيه رافعا صوته والنبي يسمع فتح الله قلبه ورأى ما رأى [illegible] من الكلمات الخارقة للعادات كما قال [illegible]
ما عرفت [illegible] ثم لحضرة اربعة من الصحابة رضي الله عنهم فلقنهم جميعا -

[illegible] طریقه نقشبندیه [illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
حضرت قاسم بن محمد بن ابی بکر [illegible] حضرت سلمان فارسی [illegible]
[illegible] حضرت ابوبکر صدیق [illegible] حضرت
رسول صلی الله علیه وسلم [illegible] حضرت خواجه بهاءالدین نقشبند [illegible]
[illegible] نقشبند [illegible]
[illegible]

[illegible] (margin notes)

۲ [illegible] (موج و حباب)

چو تشنگان ز لب جویبار آب شدیم — بسوی بحر شتابان بالتهاب شدیم
حباب وار بهمراه موج میرفتیم — ز یک نسیم سحر آب چون حباب شدیم

(مقام فنا)

در ته فکر هست باقی حال ذکر — عالمی کو برتر است از ذکر و فکر
هست در آن حال توحید آشکار — رو بیاب آن را از این مضمون بکر

(پرواز روح)

بال زد در وادی عرفان براه — گرچه در این راه بسیار است چاه
لیک گر جنبش ز صدها داد بند — میرسی زین راه تا عرش اله

(رؤیا)

خواب گاهی چون خیال باطل است — خواب باید بخود دل حاصل است
گاه بخشد حجت و الهام بخش — این دو را تشخیص داده مشکل است

(مرد خدا)

جمال مرد خدا را بچشم جان بنگر — که روی دوست ترا روح بخشد و نور بصر
چو بر فراز بود جایگاه او چون مهر — گرفته است جهانرا ز مهر زیر نظر

(مقام ابراهیم)

از خواب ذکر خوشتر نیز است — لیک آن سان بلی نباید بدست
چون ز دل باید بجوشد این زخم — داند این را هر که عشق یکتا پرست

(کوی رضا)

من آیینه خدا نما را دیدم — من طلعت حضرت رضا را دیدم
در کعبه دل که تا ابد کوی رضاست — از روز ازل نور خدا را دیدم

۲۹/۶/۳ ۱۱۰ هو ۱۴

خدمت ... بزرگوار ... سعادت ... جناب ... [illegible]

دست عزیز ... را ... در مقام ... خود ... [illegible] ... حالا ... خانزاده ... [illegible]

... سلام ... هستیم . از ... سعادت و موفقیت شما را در همه وقت و حال ... دعا

... [illegible] ... زیارت ... بودیم ... [illegible]

شکر خدا ... چشم ... [illegible]

... [illegible]

مقابل چشم ... [illegible] ... تقدیم ... [illegible]

... خدمت ... [illegible]

... [illegible]

... شما تعلق دارد . ... [illegible] ... رفتم . خدمت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

اهواز ... [illegible]

... [illegible]

... شیخ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... خدمت ... [illegible] . شیخ معتصم ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

۵

(در باره رحمت)

ای آنکه تو آفریده‌ای مام را / مبعوث ز لطف کرده‌ای خاتم را
از رحمت تو دور نباید دانست / گر عفو کنی جمیع بنی آدم را

(سیل رحمت)

چون سیل سرازیر شود از کهسار / با خود ببرد هر آنچه باشد خس و خار
سیل کرم خدا چو جاری گردد / دیگر ز گناه کس نماند آثار

(وسعت رحمت)

ای رب غفور ای خدای بیچون / غم نیست اگر گناه من شد افزون
چون هست محیط رحمتت بر اشیا / زاشیا گناه من نباشد بیرون

(یکتایی)

هر بنده جدا پیش تو جائی دارد / تنها همه کس با تو صفائی دارد
هر کس چو ترا خدای خود میخواند / گوید که هر کس خدائی دارد

(خوف و رجا)

اندیشه ز انبوه گنه نزد خدا / هم هست بجا و هم هست خطا
از غضبش هراس باید امروز / هم یأس ز رحمتش نشاید فردا

(خداوند کریم)

ای آنکه بجرم بنده‌ها ستاری / رحمان و رحیم و خالق و غفاری
این همه بنده‌ای چنین غرق گناه / یارب بجهان بنده دیگر داری

(وعده خدا)

که بود ... [illegible] ... باید بیش / یارب چو ... [illegible] ... خویش

٢

وفکر میکنم که این ملاقات را داشته باشیم. چندی گذشته عکسی از خودم تهیه نمود، خواستم که بخدمت تقدیم کنم
را بسبب بعد از نوشتن نامه همراه افتاد که عکس را لای کتاب گذاشته‌ام ولی اشتباه بخدمت عکس نداشتم
تقدیم میکنم. سلام شما را به آقای صفا رقیانی رساندم و ایشان نیز متقابلاً بخدمت عرض سلام داشتند و
گفتند که فعلاً آن کتاب را چاپ نکرده‌ام و در [illegible] هستم که بدست بیاورم و من نیز نگاه کرده‌ام
که شما مکاتبه با ایشان این موضوع را پیگیر کرده‌ام. خدمت شیخ مجتهدی که فعلاً رفتم در باره
که شرح حال را بنویسد ایشان نیز رفته و خواسته شما را بدست بیاورم و زودتر بخدمت تقدیم کنم.
بیوگرافی حقیر: متولد ۱۳۱۵ در طرابزان (ترکیه) بزرگ شده ایران (رضائیه). در سال ۱۳۳۴ در تهران
محل اقامت بیت حضرت آقای شیخ حکیم [illegible] فقرا و صوفی مشرب میبینم و اتفاقاً در
دولت مرتضی علی [illegible] شرح حال خود را بیاورم تحصیلات را در [illegible] تمام
در سال ۲۹ وارد خدمت ارتش شدم. در سال ۱۳۳۵ به ترکیه عزیمت و از ترکیه طرابزان سال
را تماماً. از [illegible] بطور کامل دیدن نمودم. در ترکیه از مقبره ناجی و مسجد کیا
مولانا جلال‌الدین رومی دیدن نمودم. در ایران تمام شهرهائی که دیدن کردم در
از خانقاه و گورستان بزرگان و آثار باستانی دیدن کردم و در تمام شهرهای ایران را
دیدم در باره خدمت درویش محترم دیدم که یکی از [illegible] من بر خود درویش [illegible]
و گفتند که شما بزرگی [illegible] بیاید هستید و از [illegible] میباشید که دست [illegible]
در تهران مشرف شدم. سه مرتبه رفتم در تمام آثار باستانی دیدن نمودم به مولوی حضرت
آقای گیلانی شده بودم. مشهد مقدس یکبار در سال ۴۷ جهت [illegible]
مشرف شدم. و در سال ۴۸ تا امروز به سنندج آمدم. در همدان مقبره ابوعلی سینا و بابا
طاهر را زیارت نمودم خدمت بزرگان رسیدم. با بابا غلام قطب اهل حق
چندین بار در [illegible] ملاقات رخ داد و در [illegible]
راه مقبره [illegible] شاهزاده محمد زیارت [illegible] [illegible]

وفات حضرت فاطمه زهرا. مادر حسین [illegible] در مقبره زیارت نمودم [illegible] بخدمت تقدیم [illegible] مفصل
[illegible] نام خانه [illegible] که شما [illegible] جهت [illegible]

به سنندج تشریف بیاورید و از نزدیک بیشتر آشنا شویم که حضرت ... ملاقات کامل داریم که در ده وشتر است که
حضوراً صحبت کنید. البته من فعالیت خودم را خواهم نمود. جهت زیارت پیر آگاه مقبره حضرت
در مریوان رفتم و زیارت نمودم بسیار جالب و سر یک کوه نزدیک به کوهستان میباشد. ولی از
اوقاف درست آنجا توجه نکرده لکن مثل اینکه در صدد هستند که بمقبره سر و سامانی بدهند.
دیگر عرض شود که در سنندج اغلب با اشخاص بزرگان اهل دل ملاقات نمودم، ولی بسیار معدود
دست ... هیچگونه نتوانستم بدین اشخاص مجالس روحی پیدا کنم. محبت معمول بنده نسبت بهمه
که بیت در تهران نیز که شما معلوم است در خدمت سرکار قدس سره حضرت صفی علیشاه
بودم. در اینجا آقای ذکر نوربخش قبل از اینکه من بمرخصی بروم در شب در خانقاه نعمت‌اللهی
که متعلق به دکتر نوربخش میباشد اقامت نموده و من نیز یک شب در آنجا بودم و او خانه‌اش را
داد نیز معرفی حضرتتان میباشد و تشریح نمودم. لکن بطور کامل جذبه نداشتم و حتی که بخشید.
هر حال بنا بود در خانقاه سنندج هم و از نزدیک نفت خبر را گرفتم که عذر میخواهم در مرخصی در آینده
به ترتیب هر چه زودتر موارد خواسته حضرتعالی را تقدیم خواهم نمود. در ضمن یک قطعه عکس
که با اتفاق حضرت بابا غلام در مقبره آقای حاتم در ده حسن آباد گرفته‌ام بخدمت تقدیم میکنم و با
یک قطعه عکس تنهائی خودم. البته عکس بزرگ بابا غلام یک قطعه هم عکسی که در اینجا تشریف
داشتند بخدمت تقدیم نموده بودم ولی نیز از قرار گفته‌ام که یک عکس مفقود. در بیتی بابا غلام
خیلی خوش گذشت در حدود یک ساعت رفتیم با تکیه و اینکه عزیزش میزند ما را بحال برده
و بسیار گریه و زاری نمودیم و رقص و سماع و ذکر شد. جای حضرتعالی خالی بود. انشاءالله اگر
تشریف آوردید با اتفاق بخدمتتان میرسیم. مولا علی نگهدارتان. التماس دعای خیر دارم
ما را فراموش نفرمائید زود زود برایم نامه بنویسید و چشم براه در انتظار دست خط
عزیز میباشم.

کوچک شما - فقیر سید فیروز ریاضی

تقاضا دارم که یک قطعه از عکسهای
خودتان را برایم مرحمت بفرمائید. فدای

۲

(جلوهٔ دوست)

آنکه بچشم دل ما جلوه گری — هر سو که بیافکنم نظر در نظری ۱۶

[ی]ارب تو بمن بنده نیکو داری — مارا نبود جز تو خدای دگری

(گواه گاه)

[ب]ار گناه و بحر احسان خدا — گفتن که برابر است حاشا حاشا

[ه]ر کوه بود گنه چو کاهی باشد — یا پر خسی بود بنزد دریا

(سایهٔ لطف)

[ی]ارب کرا تو قاف تا قاف گرفت — یعنی همه را سایهٔ الطاف گرفت

[ا]وصاف جمیل تو بمن بست ولا — نازم کرمت که دور از انصاف گرفت

(شرمساری)

[illegible] گناه ما بخشید — یارب چو [illegible] علم بخشید

[illegible] من تا بحضور تو [illegible] — شرمنده [illegible] که [illegible]

(فیض ابد)

چون بنده که جهانیان کرم من — سرمایه شد از دست [illegible] زبان کرم من

[illegible] دم [illegible] در رحمت تو [illegible] — [illegible] جاودان کرم من

(پناه گاه)

[illegible] نامه اعمال سیاه — بردم بکریم پاک [illegible]

[illegible] که [illegible] دریا کرم — انصاف نباشد که برد نام گناه

[illegible]

۱

توشه راه

چونکه بیرون رویم ز ملک جهان — نیست فرقی بغیر فرق مکان
زین جهان برده ایم بهره خود — با تو گویم که بوده یاران .

(ظاهر و باطن)

از لباس زیبا و زشت اندر جهان — صورت آسا نمایان باطن نهان
این یکی جانش چو دوزخ پر شرر — وان دگر نیکوتر از باغ جنان

(خودکشی)

ایکه از عمر خویش گشتی سیر — خودکشی درد تو کی کند تاثیر
روح ناسازگار بهره نگشت — بتر از مرحله از این تدبیر

(جبر و تفویض)

فیض راه عشق در دست خداست — سعی و کوشش کردن ما لیک بجاست
بین جبر و اختیار است اختیار — این سخن بشنو که بی چون و چراست

(وظیفه)

بقدر وسع پی کسب و کار باید بود — مطیع حضرت پروردگار باید بود
کلام معجزه بشنو گذشته از این دو — بجان دوست که با بنده دار باید بود

(آموزگار)

غرور زند برد دیو از دست آموزگار — خدا پرست شود تب پرست آموزگار
از آن غرور ببلبان ز حقوق و خشوع — بجان زنده دلان بهتر است آموزگار

(صفات آفرینش)

که خورده خدا قسم بطور سینین — بر خورده قسم تا سما تا بزمین
باز نیست بهرا قسم که باید برپاست — از منطق یاسین و ز آل یاسین

سرگذشت مرحوم سپهبد رزم آرا . شب در منزل عبدالحسین اورنگ چنین تعریف نمود الا

در سال ۱۳۰۹ با درجه سرهنگی با ماموریت کردستان پیدا کردم در آنوقت هم [illegible] از افسران جزء ارتش
گشته بودم و چند سالی بود که دوره دانشکده نظامی را طی کرده بودم با ماموریت اورامان که در مرز ایران و عراق
واقع است رفتم (در طویله) در خانقاه شیخ حسام الدین وارد شدیم این خانقاه بصورت مهمانخانه بود که هر کس
به آن نقطه وارد میشود در آن مهمانخانه مجاناً [illegible] از او پذیرائی میشد . در قصبه اورامان (طویله) مرکز
برای انجام ماموریت نظامی بوده ام [illegible] تمام افراد یک شب در این خانقاه ماندیم و با شیخ حسام الدین
آشنائی پیدا کردم بعد از پایان نماز بطرف من آمد و شروع بصحبت با من نمود و صحبت او مسعود [illegible] از دین و انسان
[illegible] بود بعد پس از این صحبت لحظه [illegible] سیاسی [illegible] و بطور جدی گفت . در سیمای تو می بینم دو
[illegible] ایران خواهی شد . شیخ حسام الدین این را گفت و از خانقاه خارج شد . من [illegible]
[illegible] خوب کلام [illegible] بفهمم معنی این حرف چه بود [illegible] سرداران بیش نیستم در [illegible] سال دوری
[illegible] با درجه [illegible] برسم هم بسیار [illegible] و دوری است . این گذشت تا [illegible] اورا
شیخ حسام الدین را ندیدیم تا اینکه چند سال بعد از فوت او در سال ۱۳۵۲ در دو [illegible] کردستان ایران [illegible] کردستان
سپهبد رزم آرا دقیق [illegible] حقیقی را حکایت کرد [illegible] معنای [illegible]
[illegible] بخود گفت اگر انسان از هوا و هوس [illegible] نفس خود را تصفیه نماید [illegible]
[illegible] او معانی ظاهر شود .

آقا شیخ حسام الدین [illegible] از [illegible] نسل [illegible]
این خانواده بیش از سه هزار سال است که سابقه [illegible] در [illegible] اورامان که یکی
از مناطق بهشتی ایران است در سرحد ایران و عراق و غرب [illegible] و شرق [illegible] واقع است [illegible]
بزرگان این خانواده با لقب (سلطان) [illegible] مانند [illegible] سلطان [illegible]
(سلطان) [illegible] سلطان تبدیل کرده و [illegible]
زبان این طایفه (دری) [illegible] زبان [illegible] را حفظ کرده اند .
[illegible] مردان [illegible] صاحب [illegible]
[illegible]

[illegible]

سرگذشت مرحوم سپهبد رزم‌آرا. شبی در منزل عبدالحسین اردلان چنین تعریف کرد تتمه ۱۷۸

در سال ۱۳۰۹ با درجه سروانی با ماموریت کردستان پیدا کردم در آنموقع جز ما عده بسیاری از افسران جزء ارتش
کسانی بودیم و چند سالی بود که دوره دانشکده نظامی را طی کرده بودیم با ماموریت اورامان که در مرز ایران و عراق
واقع است رفتیم (در طویله) در خانقاه شیخ حسام‌الدین وارد شدیم این خانقاه بصورت مهمانخانه بود که هرکس
به آن نقطه وارد میشد در آن مهمانخانه مجانا و افتخارا از او پذیرائی میشد - در چند سال در اورامان (طویله) صرفا
برای انجام ماموریت نظامی بودیم ما تمام افراد یک شب در این خانقاه ماندیم و با شیخ حسام‌الدین
آشنائی پیدا کردم بعد از پایان نماز بطرف ما آمد و شروع بصحبت با ما نمود صحبت او مسلسل بود و از زمین و آسمان
و بسیاری دیگری بود الحمد پس از این صحبت لحظه در سیمای من نگریست و بطور جدی گفت - در سیمای تو می‌بینم در یک روز
دیگر رئیس الوزراء ایران خواهی شد - شیخ حسام‌الدین این را گفت و از خانقاه خارج شد - من بی اختیار در فکر فرو رفتم
و هرچه پیش خود حساب کردم نتوانستم بفهمم معنی این حرف چه بود و مرا که یک سروان بیش نیستم و در ۲۰ سال دوری
عرب دکتاب باید به درجه سرتیپی برسم چه بمقام نخست وزیری - این گذشت من با اتفاق همکارانم از اورامان
برگشتیم با وجود گذشت بعدها با درجه سرتیپی و سرلشگری در سال ۱۳۲۵ در وقایع تجزیه کردستان ایران بار دیگر به کردستان سفر کردم
شیخ حسام‌الدین را ندیدم تا اینکه چند سال بعد از فوت او در سال ۲۰ سال بعد از بیان آن حرف به نخست وزیری رسیدم -
سپهبد رزم‌آرا وقتی داستان حقیقی را حکایت کرد تا پایان نیک بود و حقایقی را درنگ غرق در تعجب شده
بودم لذا قدری فکر نمودم گفت اگر انسان خالی از هوا و هوس شود و نفس خود را تصفیه نماید و بخدا و الهه نزدیک شود در
درون نفس روحانیت او حقایق ظاهر شود -
آقای شیخ حسام‌الدین کیست - یک نوادگان اورامی خود را از نسل سلاطین ساسانی میدانند و حق هم دارند چون
این خانواده بیش از دو هزار سال است که سابقه زندگی داشته و هزار و چهارصد سال است در (دره اورامان) که یکی
از مناطق بهشتی ایران است و در سرحد ایران و عراق و غرب سنندج و شرق سلیمانیه واقع است زندگی میکنند -
بزرگان این خانواده با لفظ (سلطان) ملقب میشوند مانند نادرسلطان و جعفرسلطان و امثالهم که با لهجه اورامی
(سلطان را) بسلطان تبدیل کرده و جعفرسلطان و نادرسلطان نگویند در صورتیکه در اصل همان نادرسلطان و جعفرسلطان است
زبان این طایفه (دری) ... است زبان درباری عهد ساسانیان را حفظ کرده‌اند -
از این خانواده مردان جنگجو - تصوف پیشه - شاعر - صاحب خط و صاحب کرامات بسیار آمده استقلال ذاتی
آنان را اثبات میکند شاید کمتر طایفه‌ای ایرانی اصیل و بی غل و غش باشد - هیچ نیروی اعم از مغول و عرب و غیره
بر این سرزمین چون منطقه آنان کوهستانی صعب‌العبور و غیره نفوذ پیدا نکرده است و همیشه نژاد خود را حفظ کرده‌اند
یکی از بزرگان این خانواده که در عالم تصوف بمقام ارشاد ترقی کرده است خانواده شیخ حسام‌الدین طاب ثراه
که جد بزرگ او مرحوم سراج‌الدین درک فیض ریاضت را در حضور مولانا خالد که از بزرگان سلسله نقشبندی است نمود
و بمقام خلافت نائل گردید بطوریکه در تاریخ مشایخ (...) نشان میدهد مولانا خالد برای درک فیض ریاضت
بخدمت شیخ نقشبندی رسیده و پس از نیل بمقام شیخوخیت از راه ایران حرکت و در مشهد مقدس
... و قصیده بلندی که مطلع آن - این بارگاه کیست که از عرش برتر است - در نزد ... مشهور است
در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سروده که بعقیده اینجانب مطالعه این قصیده غرا برای رفع شبهه از
پیروان مذهب جعفری نسبت به ایشان واجب و لازم است

شیخ حسام‌الدین نتیجه عراق نبیره شیخ سراج‌الدین پس از درک فیض ریاضت از محضر مولانا خالد در قریه
... که یکی از قراء تابعه اورامان و اینک در خاک عراق است بارشاد مسلمانان شافعی پرداخته
و خلفائی از قبیل شیخ ... شمس‌الدین برهانی تربیت و بمنطقه مهاباد اعزام داشته و اینک
خانقاه و اولاد حضرت مشیخه آنمرحوم در آنجا است زیارتگاه و ... منتسبین به شیخ مرحوم است
خانقاه سراج‌الدین در مهاباد موجود است که مورد احترام اهالی میباشد -
پسر سراج‌الدین بنام بهاءالدین و پسر او شیخ حسام‌الدین معروف است - این شخص از مردان بزرگ
عالم مذهب شافعی و دارای ... اخلاق فوق‌العاده بود و با اینکه در خاک عراق ساکن و در حسب
ظاهر عراقی بود همیشه نسبت به ایران و شاهان ایران توجه مخصوص داشت بطوریکه اغلب ...
اورامان و مریوان و بانه مهاباد و قسمت طوالش شمال اردبیل بدست این شخص حل و فصل میشد

تا بجا میرسند مگر آنها باشند سید و غیره که از اینها قبیل بدهند و این ریاضت کشها در خدمت [illegible] هستند
و بسیار هم متعصب میباشند. سبیل و سایر جاها را اصلاً کوتاه نمیکنند. فلسفه اش این است که هر چطور
به دنیا آمده ایم همانطور هم باید از اینجا دنیا برویم. و ما رنش را میزنند. لکن حضرت بابا غلام و تمام مریدان آن
کلاً فرق میکنند ذکر و رقص و حرکت و سماع در شیخ نظیر کامل و خوب و العلاء اجرا میشود. ذکر در شیخ طور
کمل فرق میکند از هیچ کجا سرچشمه نگرفته و خود ساخته است ولی هر چه [illegible] کمال [illegible] ۱۲ [illegible]
میباشد. حالا دیگر هم این شیخ که اینها بابا و کلاً هم تمام تر است سلطان اسحاق میباشد که آن هم از
مصری نهاب میروند و بهتر از همه جا میباشد طوری که میروند که با بر مسکن و [illegible] که به مکه رفتن ها
متبرکه مانند دیگر رفته و برگشته اند. بهر حال ببخشید [illegible] خاتمه میدهم. تقاضا دارم از شما که مولا را فراموش
نکنید. هرچند من در نامه نوشتنی دیر میکنم شما ببخشید بگویید خودتان [illegible] ما را [illegible] باشید و حال
خودمان نگذارید. از ما جدا نباشید. من خاکپای شما هستم و دور او آمده و دلیل دست شما تا
جان استوار و کوشا هستم. باز و دنبال [illegible] کردن گفتنی ها هستم به دنیا لذت نمیبرند
در خاتمه تقاضا دارم که به [illegible] عید خودتان و خوب [illegible] و [illegible] این نامه و [illegible] را برایم بنویسید
چون من بعد از تعطیلات عید [illegible] فکر میکنم [illegible] از رفتن استفاده. [illegible] این [illegible] خیلی
مایل هستم اگر بعد از [illegible] تشریف خواهید آمد و شما را در آنجا زیارت بکنم خیلی مشتاق
دیدارتان میباشم. نامه را خاتمه میدهم. مولا یار و نگهدارتان باشد.

قربانتان فرزندتان [illegible]

از کسی جز حضرت حاجی سید شیخ مسلم چه در وطن خودش که مکه معظمه باشد و چه در ایران واقعاً ارادت ظاهری بکسی
توقعی نداشته است قبل از چند سال حاضر از مکه باز دوباره بایران تشریف آوردند، باز دوباره دست
قسمت این شد که حضرت شیخ بجای دیگر نروند در ایران ماندند و نسل ایشان پشت به پشت تا به من رسید
واقعاً اگر خدا راضی باشد همان ارشادی که مردم لطف [illegible] نسبت بهمان [illegible] هم تقریر کردیم و [illegible]
و ماکه تقریر تمام کرده شیخ خودم در سال فوت پدرم بیست سال داشته ام رسید آقای سید شیخ ضیاء الدین
حکیم از من نگاهداری شریعت دهم و دانش — من آنرا از [illegible] تا سن ۱۵ سال رسید حکیم فوت کردن
خانقاه مرید و معروفی بیست سن [illegible] گذاشته سرم از زمانی که حکیم فوت کرده است تا امروز ۲۱ سال
هست مانم با مریدان [illegible] بزرگم و پدر خودم [illegible] من هم شاید از آقای ریاضی [illegible]
از همه رحم از کسی توقعی نداشته باشم همان [illegible] که [illegible] مسئول هستم امیدوارم [illegible] باشد [illegible]
سن مقبره [illegible] الاحمد — روز شریعت و حقیقت و طریقت بدهم. جناب آقای ریاضی سوالی
دیگر فرمودند از من که حاجی سید شیخ مسلم یا پدر جانانی در قید حیات چه بزرگانی و پیران [illegible] اهل
تمیز [illegible] که هم با پدرم صحبت [illegible] رسیده اند [illegible] با تمام اهل [illegible] و تمام بزرگان [illegible]
در ایران و چه خارج ایران و تمام مشایخانی که در ایران و خارج ایران بوده اند [illegible] تعریف هم نموده [illegible]
حضرت حاجی سید شیخ مسلم را شناخته و هم [illegible] کرده اند جناب آقای ریاضی دوباره سوالی دیگر فرمودند
از تصوف — تصوف [illegible] برای عام هست کسی که [illegible] شریعت را اجرا کند [illegible] روز طریقت
حاضر شود و واقعاً تقوا داشته باشد [illegible] کوتاه نباید واقعاً اهل تصوف هست چون خدا [illegible]
ما کسی را دوست داریم که تقوا داشته باشد

۱۹

بیشتر از این [illegible] امیدوارم [illegible] و [illegible]
و [illegible] کتاب [illegible] گذاردیم — الحاج سید [illegible] الدین [illegible]

[illegible] خیلی [illegible] که اخیراً [illegible] تشریف [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] اگر [illegible] [illegible]
[illegible] از [illegible] اسلام [illegible] الحمد لله [illegible]
از خداوند [illegible] سال جدید [illegible] دوستان [illegible] مبارک و میمون باشد
و از شر حوادث محفوظ و مصون باشید والسلام [illegible]

[illegible]

۳۴/۷/۲۲

[illegible]
[illegible] جناب [illegible]
[illegible]

۳۰

حضرت برادر عزیزم جناب آقای سرهنگ طاهر [illegible]

[illegible] دعا و [illegible] امیدوارم از حضرت احدیت وجود [illegible] همیشه از بلیات [illegible] مصون باشید
در ضمن اگر از حال حقیر [illegible] الحمد لله [illegible] دعای خیر [illegible] تمام مسلمین
آمین یا رب العالمین.

چند روز پیش جناب آقای [illegible] به خانقاه تشریف آوردند از [illegible]
[illegible] خیلی [illegible] امیدوارم [illegible]
جناب آقای [illegible] درباره [illegible] حقیر [illegible]
[illegible]
[illegible] کرده‌ایم [illegible]

[illegible] حضرت حاج [illegible] حضرت رسول اکرم [illegible]
حاج [illegible] حضرت رسول [illegible]
[illegible] ایران [illegible] حضرت [illegible] حاج شیخ [illegible] ایران [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] ارشاد [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible] ارشاد [illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] ایران [illegible] حضرت حاج شیخ [illegible] ایران ارشاد [illegible]
[illegible] حاج [illegible] لازم دارد [illegible] حاج [illegible]
[illegible] ایران [illegible] سال [illegible]
[illegible] سال [illegible]
[illegible] سال [illegible]

هو ۲۲

دوست عزیز دل هر نقد بجز را خطر از شرح نیست هیچ عزیزی جز دل خود بجناب حق نیست مرقومه عالی که حاکی از سلامتی
و ابراز لطف و محبت بود واصل و زیارت گردید بسیار مایه مسرت گردید امید است که در این ایام عزیز از الطاف الهی بهره‌مند
و فیض حق شامل حال شده باشد [illegible] معلوم است لطف حق شامل حال [illegible]
[illegible] دوست واله با ... [illegible] کوشش [illegible]
[illegible] راجع به پرونده [illegible] که عمل [illegible] نباید دیگر نگران باشید اگر ترس دارید از خدا داشته باشید
که خداوند میفرماید [illegible] فاما من خاف [illegible] خداوند [illegible]
پاک [illegible] در جای دیگر میفرماید [illegible] خداوند [illegible] حاصل است
[illegible] اگر [illegible] از کسی یا از شئی [illegible] که قاهر [illegible] میفرماید و هو القاهر فوق عباده
یعنی اوست خداوندیکه قاهر است [illegible] اگر [illegible] از سلطان [illegible]
و از رعیت در روایت است [illegible] اصلح الله [illegible] اصلاح نماید
انچه را که بین اوست و بین خدا [illegible] اصلاح میفرماید خداوند [illegible] در این صورت
در حالیکه شما مشغول به اصلاح [illegible] دیگر نباید نگران باشید از [illegible]
خلق است [illegible] دوستان [illegible]
خاک در آستان [illegible] دل فارغ دارید از [illegible]
در صورتیکه شما در صف دوستان حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام میباشید و خاک در آستان حضرت مولا علی
موسی الرضا علیه السلام میباشید و از تابعین و مریدین حضرت ولی عصر عجل الله فرجه میباشید دیگر باید دل
فارغ داشته باشید و غیر از حق از کسی نترسید شب جمعه بحضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف متوسل شوید
و نماز توسل [illegible] حضرت [illegible] بخوانید و استغاثه نمائید که رفع گرفتاری شما را
نماید [illegible] در این دور [illegible] و واسطه فیض از حضرت احدیت ولی عصر عجل الله فرجه میباشد
و حضرت هم [illegible] حاضر و [illegible]
خدا را [illegible] شنیدم [illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible] انشاءالله رفع خواهد شد راجع [illegible]

هو

[illegible]

سلام

از [illegible] زنهار عرضه [illegible]

دوست محترم امید است بسبب الطاف الهی و توجهات حضرت
[illegible] [illegible] باشند و این سال جدید [illegible]
و [illegible] محترم مبارک و میمون باشد [illegible]
که حاکی از سلامتی و الطاف شما بود واصل شد و از زیارت آن مسرت
حاصل شد [illegible]
[illegible] از حال
[illegible] باشید [illegible] سلامتی حاصل است [illegible]
دوستان [illegible] سلامتی و سعادت [illegible]
از خداوند [illegible] دوستی [illegible]

الفقیر [illegible]

دوست عزیز

اندر جهان دوست جدا نگردد کسی تا قدر یار خاطرت از خدا گذشت

دوست عزیز امیدست ایام بسعادت و خوشی و [illegible] حق بگذرد
عمر گذشت و نماندست جز ایامی چند به که در یاد خدا صبح شود
شامی چند مرقومه شما رسید بسیار ما مسرور گردید
از حال ما جویا شده اید ایامی میگذرد زنده که میدانست
حال در بودن است مرگ حاضر غایب از حق بودن است
عمر و مرگ این هر دو با حق خوش بود بی خدا
آب حیات آتش بود حال ایام که معلوم است بطول
علائق دنیا ما را مشغول نموده که بیاد اهم چیز هستیم جز حق
امیدست جز بفضل حق چند روزی تعطیل با زیارت
طهران اصفهان کرام باسعادت استخاره اگر چه قبلا
باطنی نیست و دلچه که [illegible] مساعد شد شاید توفیق
رفیق شود از زیارت قبور اولیاء بهره حاصل شود
شاید بیت [illegible] طی بکند اگر کاری
باشد با آدرس ذیل مرقوم فرمائید

امیدست که حال خانواده و بچه ها همه خوب باشند و [illegible]
حق برشما خانواده مستدام باشد یا رب بیماری خسته دلان شفا [illegible]

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
العبد [illegible]
۳۱ ۱۱/۶/۲۰

درمصر طهران
طهران خیابان پهلوی چهارراه شاه جنب بانک بازار
دفتر خانه شماره ۱۳۶ توسط جناب [illegible]
[illegible]

دوست محترم امیدست بحب الطاف الهی سلامت و [illegible] باشید و ایام
بخوشی بگذرد چند روزی که انتظار ملاقات [illegible]
[illegible] بودید مرقوم یک ماه [illegible]
امیدست که حضرت [illegible] ایام بیمار
[illegible] یا رب بیماری خسته دلان [illegible]
[illegible] گرفتار [illegible] برادر
در [illegible] دو هفته قبل
[illegible]
چون [illegible]
[illegible]
[illegible] ملاقات [illegible] خواهید
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] التماس دعا
[illegible] ۱۳۲۰

نمره ۲

دوست محترم   که چندی بیاد و صحبت میکنیم

امیدست بسبب الطاف الهی ایام بسعادت و خوشی بگذرد
ده روز قبل که از مسافرت مراجعت نمودم نامه شما از زیارت بیا...
مسرت گردید   شاد و ... ما ... تشکر کردیم   از وقت
تو ... که وقت ما خوش کردید   از حال فقیر جویا باشید
الحمد لله سلامتی حاصل است و ایامی میگذرد   چند روزی
مسافرت رفتیم که رفع خستگی شود بیشتر زیادتر خستگی شد
ز قدرت ملکوتی ... است   که کارها بخلاف مراد
انسان است   امروز هم ... ملاقات نمودم
سلام و سلامتی شما را ابلاغ نمودند   از دیگران ... خبر ...
هم کلام حق شنیدیم هم سلام   ... اشتیاق زیارت سرکار
را دارم اگر خداوند مقدر فرماید و مانعی پیش نیاید
برای دو هفته دیگر ملاقات سرکار خواهم ... ایام
فاطمیه بگذرد   ان شاء الله ... سلامت باشند
خانم را سلام برسانید ... شنبه ... [illegible]

نمره ۲۵

دوست محترم   امیدست بسبب الطاف الهی ... [illegible]
... سلام ... اطلاع ... [illegible]
... [illegible]
واصل شد ... [illegible] ... تشکر ...
از وقت ... که وقت ما خوش کردید   از حال فقیر جویا
باشید ... [illegible]
... [illegible] ... حاصل ...
... [illegible]
... [illegible] ... خانم را سلام
برسانید ... [illegible]
... [illegible] ... ملاقات سرکار ...

[illegible]   ۱۷-۳-۱۳۱۰

هو

ای دوست صحبت تو خوش باد   در دل ز یاد خدا جوش باد
هر چه بجز یاد خدا در دو   از دل پاک تو فراموش باد

۲۷

دوست محترم امید است بسبب الطاف الهی کامیاب و خوشحال باشید
و ایام سعادت دارین و یاد خدا بگذرد در [illegible] رسید چونکه حال از سلامتی
بود بسیار مایه مسرت شد [illegible] تیکه داشتید و نوشته بود که بیمار و مریض بوده
و گرفتار [illegible] بوده [illegible] بود [illegible] حاصل
حاصل شد [illegible] حضرت امام الائمه شده
خداوند رحمت ۲ تا [illegible] بود [illegible] این شد [illegible]
وادی عشق که جز کشته در او نایابست [illegible] دل
تشنه لبان سیراب است [illegible] سرسته یا سر خود دیگر که در این وادی
تو شد [illegible] مغز اولی الالباب است [illegible] عطار
فرموده است عشق زائل نشود [illegible] بود [illegible]
التفات نکنند و در بوته نه برنده [illegible] الحمد لله هم یار دارند
دیگر ممکن نیست سرگشت گفت در بان در این سرا بجای [illegible]
[illegible] خداوند سبحانه [illegible] کثیرا لعلکم تفلحون یاد نائبه خدا را
بسیار [illegible] یاد ان بزرگ که امام الاور
تا دل را چون مور در دام آورد چون هم [illegible] هم [illegible]
نیل بود تا بود یکذره هستی در میان [illegible] از صفات صوفیه
صوفی نتوان گفتن [illegible] در اول این خرقه باید در دنیا هر کار
ز دیگه [illegible] کار در دل [illegible] است

در این ایام متبرکه [illegible] و آنچه شده در دو که بسیار خبر آن است که بیشتر
متذکر باشید و چهار [illegible] شب هزار و یک مرتبه یا حی یا قیوم بقلب
بگوئید نه زبان یا حی که بگوئید سر را بطرف [illegible] بزنید
و یا قیوم را بطرف قلب نفس که الا الله یا حی یا قیوم [illegible]
قبل از شروع هم صلوات و [illegible] مرتبه [illegible] بعد از ختم هم صلوات
یک مرتبه آیه محمد رسول الله و الذین معه الی آخر سوره و
انا فتحنا [illegible] آخر سوره انا فتحنا [illegible] هم صلوات
هر روز هم بعد از نماز [illegible] یا صلوات [illegible] ۱۱۰ مرتبه یا فاد
العقده یا دافع البلاء یا مظهر العجائب یا مرتضی علی [illegible]
امید دارم در کرم حضرت مولا و توجه اولیا و حق با نجام این عمل
موفق گرفتار [illegible] شود [illegible] نیست شیخ [illegible]
[illegible] چه دل خود بخدا بستن نیست [illegible]
[illegible] سایر امور [illegible] اصلاح [illegible]
و [illegible] اصلاح [illegible] خدا سایر امور او را [illegible] اصلاح
بالمره [illegible] امورات [illegible] اصلاح خواهد شد [illegible]
غفلت نفرمائید شیخ ابو سعید [illegible] فرموده اذبح النفس و الا
لا تشتغل بطرهات الصوفیه یعنی نفس را بکش [illegible]
مشغول [illegible] صوفیه [illegible] اوقات [illegible]
است [illegible] کوتاه نیست [illegible]
چند روزی [illegible] زیارت [illegible] کرده
امورات [illegible] معتقدم [illegible]
[illegible] گفت [illegible] این [illegible]

شب موقع خواب آیة الکرسی تسبیح حضرت زهرا به تقدیم سبحان الله بر الحمد
اگر خواهد که بیدار شود ... مرتبه آیه قل انما انا بشر مثلکم الخ آخر سوره
کهف را بخواند
از خواب که بیدار شد ۱۰ مرتبه اللهم صل علی محمد
و آل محمد
سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة والروح سبقت رحمتک
غضبک لا اله الا انت ما عملت سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت تب علی انک انت التواب الرحیم
~~[illegible]~~
الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی
رد علی روحی لاحمده و اعبده
بعد مشغول نماز شب شود بعد از هشت رکعت نافله
۳۶۰ مرتبه یا حی یا قیوم بحبس نفس بگوید
نفس که تنگ شد بگوید برحمتک استغیث
۲۸ اللهم احی قلبی بنور معرفتک

هو

یاد باد آنکه مرا وقت سفر یاد نکرد   بسلامی [illegible] دل ما شاد نکرد

دوست عزیز امید از الطاف حضرت رب العزة که ایام بخوشی و سعادت
بگذرد دوری از یار [illegible] و با انتظار روز وصال میگذرانیم
[illegible] [illegible] [illegible] تا [illegible] [illegible] در خواب
امشب عزیز باز [illegible] گریه کردم [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] چرا از این بخواب دیده [illegible]
[illegible] چنین خوابی [illegible] هنوز هم هست [illegible] چشم
هنوز هم [illegible] [illegible] دو شب بعد [illegible]
میرزا اسمعیل این خواب را گفتم [illegible]
دوستان [illegible] [illegible] معلوم شد [illegible]
دوستان در خواب [illegible] الحمد لله [illegible] از
[illegible] [illegible] امیدوارم از الطاف الهی
که خاطر شریف [illegible] باشد و اصلاح امور [illegible]
[illegible] [illegible] کارساز ما بفکر کار ما [illegible]
آزار ما دوست عزیزم هر که [illegible] سلامی
[illegible] که [illegible] راه پر خطر زود [illegible]
ندهد [illegible] راه [illegible] [illegible] شیب

از ایام شباب [illegible] الحمد لله [illegible] ایام جوانی
تیره است [illegible] تسلیم شده [illegible] [illegible] عاشقی [illegible]
[illegible] است و [illegible] در هر حال [illegible] [illegible]
با دست [illegible] دل فروشی این راه [illegible] در ره عشق
نامرادی نیست [illegible] [illegible] [illegible] نیست [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] نیست [illegible]
[illegible] مردان خدا [illegible] مشهد [illegible]
۳۰/۵/۶ [illegible]

از غیر هر چه دوست جدا نکند دل کسی
کافر برای خاطر بت از خدا گذشت

دوست عزیزم امید است بحسب الطاف الهی [illegible] شریف [illegible] باشد و ایام بسعادت و خوشی بگذرد
[illegible] حرکت [illegible] هیچ گونه خبری از سلامتی شما نداشتم و بسیار مایه نگرانی خاطر شده بود تعجب داشتم [illegible] با اینکه
معمولا [illegible] نامه بنویسید کاغذ [illegible] عید تولد حضرت [illegible] [illegible] مژده سلامتی بود
رسید بسیار مایه مسرت شد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] وقت [illegible]
[illegible] روز جواب نامه شما را [illegible] معذرت [illegible] [illegible] بعجله حرکت کردم در مراجعت
هم [illegible] در یکی از [illegible] راه تربت [illegible] بسیار خطرناکی [illegible] [illegible] شدن [illegible]
و [illegible] دست [illegible] حفظ کرد والا کار تمام بود [illegible] ناظر بودند از راننده [illegible]
شما از این [illegible] و حقیقتا [illegible] [illegible] ساعت ۸ شب
که این نامه را مینویسم امید است در این ایام شریف [illegible] بیاد خدا باشید و از برکات این ماه [illegible]
بهره مند باشید دوستان همگی جویای سلامتی شما هستند و سلام میرسانند
[illegible] [illegible] شده است [illegible] [illegible] با قیمت [illegible]
شده است چونکه گرفتاری بسیار است در جواب نامه [illegible] کاغذ را خاتمه میدهم
[illegible] برای بعد نامه مفصلتری خواهم نوشت والسلام

۱۶/۱/۳۶

[illegible] [illegible] یک [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] [illegible] برای [illegible]
[illegible] قلب بسیار [illegible] است

۲۹

تحصنت بالملك الحي الذي لا يموت واعتصمت بذي العزة
والعدل والجبروت واستعنت بذي العظمة والملك والملكوت
عن كل ما اخافه واحذره

بسم

محمد رسول الله صلى الله عليه وآله امامي وفاطمة بنت رسول الله
وزوجها
صلوات الله عليها فوق رأسي وامير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله
وسلامه عليه عن يميني والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر
وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة المنتظر اجمعين [illegible]
الله وسلامه عليهم عن شمالي وابو ذر وسلمان والمقداد وحذيفة
وعمار واصحاب رسول الله رضي الله تعالى عنهم من ورائي
والملائكة عليهم السلام حولي والله ربي تعالى جده وتقدست
اسماؤه محيط بي وحافظي وحفيظي والله من ورائهم
محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ فالله خير حافظا
وهو ارحم الراحمين

هو

یاد باد آنکه ملاقات سفر یاد نکرد　بسلامی دل غمدیده ما شاد نکرد

[illegible] شریف [illegible]
[illegible] ملاقات حاصل
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شده اید [illegible]
[illegible] نامه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مرقوم

که حرم منزلت [illegible] الزمان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اگر بیکسیم از تو غم نداریم　که تا بیکسیم ما غم نداریم
نداریم کسی بجز تو ندمانی　بود آسوده ذوق روز غم داریم
برابر دو گرفتاران اندیشه ما　نفس خرم ما را بر وقت نداریم
اگر دنیا رود [illegible]　[illegible] نداریم

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[illegible] ۱۳۱۹

بدهید یک دوره ... [illegible] همین دستور که ها پیدا شده
اند که دیدن [illegible] از این ببرده اند ... روایتی که از حضرت صادق
علیه السلام وارد است کلب الکوفی خیر من هذا الصوفی
صحیح است [illegible] خدا شاهد است نظری
خاصی بکسی ندارم خود شما از من بهتر میدانید و لازم
بالطالم کلام نیست امید است که بخاطر اولیا دین از تقصیر
در گذرید و از این بعد چنین فحشی بمن ندهید
اگر [illegible] شد چرا [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] چیز دیگر [illegible] نه شکوفه [illegible]
دارم [illegible] چگونه است ما را همین
از [illegible] دارم که [illegible] دوست دارم و بس
[illegible] العالمین [illegible] دوست دارم
[illegible] حال است
[illegible] نیست کس [illegible] میدانند
یک چند [illegible] یک چند چنین [illegible]
که [illegible] الاثن
[illegible] یک [illegible] اسلام [illegible]
امید است بفضل الهی [illegible] خوب باشد دوقت.

شما خوش باشید التماس دعا دارم امید است که توفیق [illegible]
اولاد وقت رفیق شما باشد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
جمع اشتیاق ملاقات شما را دارم [illegible] گرفتاری [illegible]
مراجعات [illegible] مانع [illegible] است [illegible]

انتظار زیارت [illegible] دارم
سلامتی [illegible] دارم
مشهد [illegible] ۲۲-۷-۴۱

۲۴

سر

[illegible] امید است بسبب الطاف الهی [illegible] رفع گرفتاری ها
شده [illegible] بسیار [illegible]
[illegible] هستید [illegible] وکل الامور الی
القضا [illegible] القضا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر نظر [illegible]
استخاره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] استغفار [illegible]
[illegible] استغفار
[illegible]
اللهم انی اعوذ بک [illegible] خدایا پناه می برم
[illegible]

حدائق [illegible] حسبنا الله ونعم الوکیل
و [illegible] است از ارواح اولیاء مدد بخواهید [illegible]
[illegible] این دوره [illegible]
اثری ندارد جز استمداد از ارواح اولیا بخواهید
انشاءالله بفضل الهی امید است [illegible]
[illegible] سلام [illegible] والسلام
مشهد ۲۶/۲/۱۳
[illegible]

۲۳

هو

دست محترم یک استکان آب در کاسه ریخته با وضو بخوانید
نصف استکان موقع خواب و نصف استکان صبح ناشتا میل نمایید
دعا را [illegible] جلد کرده بمحل درد ببندید نجات [illegible]
یک [illegible] صلوات [illegible] میل نمایید

دعا [illegible] لطف نمایید بدهید بجان [illegible]

سید قاسم [illegible] روز جمعه از طهران آمده و تحویل [illegible]
داده شده [illegible] برادرت سید علینقی [illegible]
سلام رسانده و گفته این دعا را همراه خود نگهدار
و دل فارغ دار که حق تو را نجات خواهد داد
و حضرت [illegible] قسم بدهید

برای فردا ظهر چهارشنبه اگر مانعی ندارد برای ناهار تشریف
بیاورید که بیشتر از حالات سرکار استفاده نمایم
زحمت تشکر خواهد بود [illegible] لطف فرمایید

ب
[illegible]

هو

[illegible] ابوسعید [illegible]
[illegible] شرکت [illegible] خوشبو [illegible]

دست محترم مرقومه [illegible] از سلامتی [illegible] واصل [illegible]
زیارت آن حضرت حاصل شد [illegible]
[illegible]
نامه اول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خلایق [illegible]
[illegible] باشی
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

محبت فیمابین [illegible] حاصل خواهد شد چونکه دوستی [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible]
حاصل شود [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible]
[illegible] حق [illegible] باشید

والسلام
[illegible]

[illegible]

۲۵

۴۹٫۳٫۲۱ ۳۸

هو

حضور عزیز و گرامی ... عارف عالیقدر جناب ... دام ...

زمانی است رسیده، عرض سلام بخدمت جنابعالی و سرکار خانواده جلیله از طرف همسر و خودم لازم، ولا عنایت

و توفیق. هر چند قابل نیستیم همیشه خواهانم. رفتار و ... نامه شما را داشتم و ... بخدمت

زیارت و مطالعه نمودم. و در عالم رابطه ... اجرا نموده و به ترتیب و توجه کردیم که ...

نظرات بخدمت تقدیم خواهم نمود. ... نامه حاج ... بخدمت تقدیم

... در سنندج تشریف داشتند عکس ... را بخدمت تقدیم نمودم. عکس ... بوده است

راضی و ... نامه نوشته‌ام. البته ... نامه ... را مطالعه نمود

و ... آنچه که در نظر بوده نوشته و ... مطالبی ... در سنندج ... چیزی ...

... زبان عربی و ترکی ... هستند. ... رفته بودم جهت

کسب اطلاعات گفتند ... خیلی ... بتوسط ... تقدیم شد

و ... خدمتم ... که ... : مقبره سنندج ... ۲۹.

... بابا طاهر عریان ... همدان ... شهرهائی که مسافرت نموده

مکه - مدینه - بغداد - کاظمین - نجف - سامره - شاه عبدالعظیم - ... - شیخ ...

بغدادی - شیخ ابوبکر شبلی - شیخ سری سقطی در بغداد - بهلول دانا - سلمان پاک

و شیخ ... زیارت کرده است. آقای صادق ... را ... و مراحم شما را ...

گفتند بخدمتتان نامه خواهم نوشت و کتاب را ... گرفتار ... بودم ...

... بیدا ... نوشتند که بعد از زیارت ... خواهم ...

... داشتند و قرار است که نامه بخدمتتان تقدیم کنند. ...

در سنندج که بودم ... یک شیخ ... ۲ ...

... کردم. ... جنابعالی تشریف بیاورید و ... ... ان ...

(حاشیه:) ... معروف است ... از منزل ... - ... در ... - ...

ص ۱

هو

خدمت محترم ... البته ... الطاف ... باشد

و ... سعادت ... مرقومه ... حاصل

چون که ... اسلامی ... عزیز ... بسیار ... شکر ...

شما ... وقت ...

که وقت خوش ... از حال ... اسلامی

حاصل است ... و ... احتیاج ...

... البته ... اصلاح شود

مجدداً ذکر ... و ... ارواح

... ارواح ... اشخاص ...

... شرح حال ... که جمع ...

در ... اگر ... شرح حال خود را بنویسید

... که ... شما ...

... شده‌ام ... بنده ...

... اگر ... شما کسی این حرف را

میزد تعجب ... از شما ... که شما دارد

و ... هستید ... از ... از اخبار

ص ۲

... که ... و ... هستم که ... اعلام

اسلام و مسلمانان ... کجا ... که ... است

... ایران ... و مسلمان ... اگر

... از انقلاب ... کسی ...

و ... معنوی ... شعر ...

... و ... باصطلاح ... و ...

... اسلام ... که ... تعلیم

... دارد ... انهم ...

... ذکر ... این

جرات ... غالب ... خداوند ...

... لازم که ... بپردازند

... کننده ... چند ... خدا ...

اگر ... بزرگان سلف ... تطبیق نمایند ...

ظاهر ... خواهد شد ... مطالعه ...

... تمام ... این انقلاب ... این ...

دین ... کتاب و سنت ... ایران ...

... بنویسید خلاف واقع ... دین ...

۲۷

۴۹,۹,۸ ۲۹ هو ۱۱

حضور مبارک سرور بزرگوارم پیر طریقت جناب سرهنگ مدرس

عشق یا علی مدد را پذیرفتیم و [illegible] مصحح موفقیت [illegible] میباشیم. خانواده [illegible] شما و خانواده
[illegible] عرض سلام داریم. خوشی و سلامتی شما را از خدا خواستاریم. چندی پیش بخدمت نامه تقدیم داشته
و در دنبال زیارت شما هستیم لیکن [illegible] خیلی [illegible] میکنند. چطور باید درباره اینها بکنم!!
دو جلد کتاب بخدمتتان تقدیم میدارم که یکی مربوط است به [illegible] و [illegible] مربوط
مربوط است به اوضاع و احوال اسماعیل [illegible]. البته دو کتاب گذشته که [illegible] از [illegible] نقشه
بخدمت تقدیم داشتم و این کتاب مربوط است به [illegible] که [illegible] آن که یکی از [illegible]
سنندج [illegible] در قید حیات میباشد. بنام حاج محمد [illegible] طاهر [illegible] که عکسش [illegible]
میباشد که با علامت x+x علامت گذاری کرده‌ام. [illegible] کتابی که قبلاً بخدمت [illegible]
شعر نوشته بود که [illegible] این شعر چاپ [illegible] است در ضمن [illegible] شما [illegible]
داشته باشید [illegible] باشد از این کتاب [illegible]. راجع به پرچم [illegible] تحقیق [illegible]
تاریخ [illegible]
گفتند که [illegible]
شده. حالا [illegible]
[illegible] کامل داریم [illegible]
چندی پیش [illegible]
که [illegible]
[illegible]
خوب رفتیم [illegible]. انشاالله [illegible] حضورتان خواهد شد. [illegible]
[illegible] از سنندج حرکت [illegible]
[illegible]

[illegible]

(۱۲۶)

نخواهید داد در کتاب‌های مثنوی را مطالعه کرده و [illegible] افتاده و فقیری است از هر جهت
بالاتر علم خود را [illegible] کامل و استاد [illegible] میباشد. یک دفعه تا کنون ملاقاتش نموده‌ام در [illegible]
اول دو ساعت در خدمتش بودم. [illegible] ساعت ۹ شب در خدمتش بودم تا ساعت ۲ از
نصف شب (البته شما [illegible]) در حال این شعر را شنید و گفت [illegible] است
[illegible]
[illegible]
ایران [illegible]
[illegible]
[illegible]
خارج شوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
شما [illegible] خواهد شد. مولا یار و مددکارتان

فقیر سید فیروز [illegible]

[illegible]

سپس آفتاب غروب کرده در جمع خانه جمع و کمی دود از محلی دور که دم در اطاق می ایستند و جمع گذشته [illegible]

نداریم مگر اینکه تشریفات نمازی تمام شود) در آن شب تو بیابان [illegible] گشته بودند در صدد [illegible]

بوده و بزرگان همه جمع (البته کسی [illegible] غلام را کسب تقدیم داشتیم) با هم که ساعت [illegible] رسیدیم به محلی [illegible] راه [illegible]

خارج از جمع [illegible] راه داده [illegible] . بعد از تقسیم نیازی که مهمان گوشت و برنج [illegible]

را صرف کردند و اهل جمع همه [illegible] کف زدن با آهنگ شنیده [illegible] ما [illegible]

آهنگ [illegible] بوده و ذکر آن [illegible] (آن تمام ۴ و باره یا علی ـ صاحب ذوالفقار یا علی) [illegible]

و [illegible] تکرار شد بعد ذکر تمام شد و مشغول شام شدند بعد از شام جمع [illegible]

[illegible]

[illegible] غلام [illegible] تکان [illegible]

آن شب تمام [illegible] یا علی [illegible]

[illegible]

بعد ساعت ۱۲ شب [illegible] غلام [illegible] (حق مولا) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (شاه سلطان) [illegible]

[illegible]

[illegible] (یا داود) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مراتب علی (ع) [illegible]

البته این کتاب [illegible]

[illegible] تا کنون [illegible]

ص ۴۱

در رابطه با صفحه ۲۰

۱- اولین مرتبه ملاقات آقای ... [illegible] ... روز شنبه ۴ ... ۱۳۰۸

مطابق ۲۲ ج ۲ - ۱۳۴۸ ... [illegible] ... ۱۳ شوال ۱۳۴۸

[illegible]

۲- روز ... [illegible] ... ۱۱ فروردین ۱۳۰۹ ... [illegible]

۵ ج ... [illegible]

۴- روز ... ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۹ ... [illegible]

اصفهان ... آقای ... [illegible] ... (ابن العماد) ... [illegible]

اصفهان ... [illegible] ... سال ... [illegible]

در رابطه با صفحه ۳۰

۲- ... [illegible] ...

... [illegible] ...

۳- آقای ... [illegible] ...

... [illegible]

در رابطه با صفحه ۱۹

۳- ... [illegible] ...

... [illegible] ... ۴- ... [illegible] ...

... [illegible] ... ۵- ... [illegible] ...

... [illegible] ...

۵۱/۱۰/۱۹

۴۲

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۴۳

زندگی‌نامه محمد تقی فیروزی استرآبادی به قلم [illegible]

محمد تقی فیروزی در سال ۱۳۸۳ شمسی در استرآباد از عالم رحم و ظلمت قدم به عرصه گیتی گذارده تحصیلاتش در
مکاتب قدیمه بوده عارف به مسائل [illegible] و سالکی است تند رو و بسیار با ذوق و نکته سنج و تیز هوش گشت [illegible]
و مشایخ طریقت را بسیار مطالعه نموده و با اصطلاحات این طایفه وارد و آشنا شده از جمله سالکین طریقه [illegible]
نعمت اللهی است ، مشرف شده در رشته جلالیه [illegible] ، فقرا و برادران صاحب دل به دست درویش [illegible]
در ایام جوانی در سلوک وارد گردیده و آداب و رسوم طریقت و ذکر و فکر را از شیخ این سامان [illegible]
معتقد به این سلسله اخذ نموده است [illegible] و شوق [illegible] غزل و قصیده [illegible]
[illegible] غزل از آثار او در این سفر [illegible] طبع [illegible] شعرای [illegible] است
سید جلال الدین [illegible] و بقیت [illegible] این [illegible] به دست [illegible] سید [illegible]
[illegible] مشکلات [illegible] شیخ [illegible] شیخ محمد علی [illegible]

[illegible]

[illegible] ما [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] ما [illegible] ما
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ما
[illegible] والسلام علیکم - [illegible]

۴۲

رحم شیخ عبدالکریم [illegible] از [illegible] بسیار [illegible]
[illegible]
[illegible] شیخ عبدالکریم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۵۰/۴/۱۹

فاطمه علی آل بویه شیخ سلسله
شمس العرفاء

۱۳۵۵/۶/۲۱

۶۵
نمره

حضور اجل محترم سرور گرامی حضرت پیر دل آگاه
جناب مرشد مونسی

ضمن زیارت دست مبارک آن پیر گرامی موفور سلام مصدع شده و از [illegible]
به حضور [illegible] آن [illegible] قرین سعادت باشد [illegible] سعادت و سلامتی از حضرت حق تمنا
دارم. امید است که در این روزها [illegible] فقیر را نیز از [illegible] خبر از حال خواهید انداخت [illegible]
واضح است [illegible] تا [illegible] گفته شنید. دل به دل راه دارد
هیچوقت [illegible] محبت [illegible] شما از [illegible] دل [illegible] و از [illegible]
در هر حال دیگر [illegible] بار باشد. حسب الامر [illegible] فرهنگ [illegible]
[illegible] قبل که خدمت تقدیم داشته ام [illegible] موفق [illegible] شده ام که از [illegible]
یک [illegible] یک قطعه معتبر که [illegible] شد [illegible] و [illegible] از شما تقاضا دارم که
در این مورد [illegible] اما [illegible] قطعه [illegible] از آن قطعه [illegible] فرهنگ [illegible] اینجا
مکاتبه و درخواست [illegible] باشد. من [illegible] که [illegible] نتیجه [illegible] هم [illegible]
[illegible] اینجا [illegible] در این [illegible] خودم [illegible] که اشاره فرموده اید
و [illegible] تحقیقات [illegible] ادامه داده ام و [illegible] مشکل است که در داخل این [illegible] که
[illegible] این است که [illegible] اتفاق در [illegible] جمع شده و [illegible] که
[illegible] که [illegible] دارد و [illegible] با [illegible] وجود می باشد. البته [illegible] کرده
[illegible] و [illegible] که در این حال [illegible] که [illegible] خود شان [illegible]
[illegible] در آن حال ببینند. این است که سخت [illegible] در این مورد جلوگیری میکند و از آن که [illegible]

۶۴
نمره

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۳۵۴

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۵۲،۷،۵ ه ۱۱

خدمت عزیز بزرگوارم جناب سرهنگ مدرسی

پس از عرض سلام و ادب لازم می‌شود [illegible] دست مبارک را زیارت کنم [illegible] در خدمت [illegible]

و همت کردن نیز این خلیفه‌ها [illegible] که دنی خواسته‌ها را امروز و فردا کردن و آخر سر جواب

رد دادند لکن من نیز دنبال کار را گرفتم [illegible] از دو برادر خلاصه یکی از خلیفه‌های عزیز حضرت

شیخ [illegible] الدین را که جام درویشی عشق در تهران معروف است با یک قطعه عکس بخدمت تقدیم [illegible]

کردند ایشان [illegible] که آن را خودم نوشتم - هزار زحمت این درویش تقریباً ۸۵ سال

[illegible] پادشاه [illegible] مظفرالدین شاه و احمد شاه و غیره [illegible] زمان [illegible]

احمد شاه [illegible] ولی بعد از مدتی [illegible] درویشی [illegible]

شیخ علی حسام الدین [illegible] - به سلسله قادری [illegible]

[illegible] درویش عشق [illegible] کلمه (عشق) [illegible] شیخ علی حسام الدین [illegible]

[illegible] حضرت حسام الدین [illegible] معروف [illegible] ۲۵ سال [illegible]

[illegible] تهران [illegible] معروف است [illegible]

[illegible] شیخ [illegible]

[illegible] شیخ کمال یکی از مشهورترین [illegible] است. ([illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵/۶/۵۱ ص ۴۷

هو

حضرت با سعادت سرور عزیز جناب آقای مدرسی

ضمن عرض اشتیاق با همه وجود امیدوارم سلام ما را پذیرفته و همه اوقات در پناه حق موفق و مؤید باشید
نامه پر مهر شما رسید و بسی خوشحال شدم. عرض بنده [illegible] که واقعاً من مقصر هستم
بجانب شما میدهم بحال حالی هستم که من در صدد [illegible] در صدد [illegible] نمیدانم. اینک که کاملاً
نخواسته‌ای شما که یک جامع کامل [illegible] نشده و [illegible] جواب خواهم داد. میدانم که در
دوست ما [illegible] خیلی خیلی [illegible] شیرینی یاد دادی و که حق بجانب شما است. مشهد مقدس
[illegible] همگی [illegible] شنیدم و [illegible] در [illegible] و حضرت را ملاقات
ذکر فرموده‌اند. [illegible] آقای [illegible] حاج میرطاهر [illegible] باشند
شما در نامه اخیر مطالب جامع [illegible] که شرح کامل شرح [illegible] خواهند شد
که یک جواب خواهم داد. [illegible] شیخ اینجا هستند که هنوز جواب
و بعد از این نامه تکراراً [illegible] رفته و [illegible] جواب خواهم شد که بخدمت تقدیم
هم [illegible] نامه [illegible] که این [illegible] را [illegible] میکنند. در حال حاضر
هستم که [illegible] خواهم رفت که تا نظر شما را در این مورد تا [illegible]
:: [illegible] را بخدمت تقدیم میدارم که [illegible] شیخ [illegible] از اهل حق است البته
[illegible] فعلاً [illegible] است: [illegible] - [illegible]
۱- [illegible] نام [illegible] متولد [illegible] (ترکمن) [illegible]
متولد ۱۳۱۵ - [illegible] و [illegible] مشهور [illegible] هستیم
۲- [illegible] اهل حق: اهل حق را [illegible] که [illegible] دارند. [illegible]
[illegible] اینست که [illegible] اهل حق [illegible]
[illegible] اهل حق [illegible] و در حلقه [illegible]
دارد [illegible] شرکت [illegible] شرکت [illegible]

[illegible] (البته [illegible]) با خانواده [illegible]

بدین ترتیب که در راس هر یک از اعضا و خانواده ، یک خروس - یک من برنج و یک کله قند و یا نبات
به او تقدیم کنند. البته باز عرض میکنم که سلسله اهل حق چند رشته هستند از جمله :
۱- بابا یادگار ۲- سلطان اسحاق (سهاک) ۳- آتشبگی ۴- گوران ۵- میناتی و خاموشی هر یک از این رشته ها مربوط میشوند به اهل حق
اطلاع دارید که رجال فعلی اهل حق بطور کلی در منطقه کرمانشاهان - صحنه - بخصوص قصر شیرین - کرند
پل ذهاب - تازه آباد - سنقر و کلیایی - صحنه - کنگاور - اسدآباد و دهات اطراف این مناطق - در
آذربایجان : صوفیان تبریز : قره ضیاء الدین و اطراف و غیره - در مازندران فیروزکوه و ساری هم دارد -
و (مورد) [illegible] اطراف [illegible] - بطور کلی اطلاع کامل این موضوع را [illegible]
خویش [illegible] اهل حق و سید [illegible] معلوم میباشد که [illegible] مورد مذاکره عرض [illegible] است بطور کلی الآن
کاملا [illegible] . [illegible] خودشان [illegible] (شیطان پرست) میدانند از
[illegible] این سلسله یعنی (بابا یادگار) که [illegible] معلوم میباشد که [illegible]
[illegible] این نامه تقدیم میشود . این موضوع را کاملا انکار نموده و آنها را حتی از این موضوع [illegible]
به سلسله خودشان میکشند [illegible] در [illegible] کاملا تحقیق نموده ام در این سلسله بسیار
است که حتی [illegible] در سلسله [illegible] است و دیگری [illegible] اسم [illegible] را
بخودشان گرفته اند . [illegible] کرمانشاه است [illegible] معلوم [illegible] صحنه میباشد [illegible]
بسیار مطلع و [illegible] که [illegible] و فعلا [illegible] وضع مالی خوبی دارد و
[illegible] . [illegible] (چون [illegible] میدانند) البته
این [illegible] از شما [illegible] هستند و میدانند که [illegible] کاملا نسبت
[illegible] و میدانند که [illegible] راه دارد و شما نیز بنده را [illegible] فرزند خودتان [illegible]
[illegible] . [illegible] انکار [illegible] است [illegible] تبلیغ [illegible] . [illegible] شما [illegible]
[illegible] لطف میکنید [illegible] که واقعا [illegible] چند [illegible] تشریف [illegible] در خدمت
شما هم مذاکره میکردیم [illegible] بیشتر میافزود . بهر حال رجوع [illegible] کتاب (آغاز و
سرانجام) که قبلا نیز در این مورد [illegible] تحقیق [illegible] رسیدیم [illegible] قرار است
(البته [illegible] این شعر را [illegible] خواهم [illegible] خدمت خواهم نوشت)

این چند بیت [illegible] که ایشان گفتند از کلام است [illegible] این چنین [illegible]
که عینا در زیر یادداشت میکنم :

اول خطای خاندان کرمان
دوم عهد و پیمان یاری و یاران
سوم [illegible] لشکر
سلطان [illegible] ۳ [illegible]
موجبات [illegible]
هرگز [illegible]
[illegible]
[illegible] سواران باطنی [illegible]
موجبات [illegible]
کاران ناشایسته و [illegible]
یار [illegible] حیا [illegible] حیا دارد

البته من باز هم این چند بیت که [illegible] از کلام میدانند شک دارم چون هنوز این [illegible]
را ندیده و [illegible] مطالعه نکرده ام بهر حال [illegible] شعر را [illegible] نیز [illegible]
نفرستم در خاطرم نیست . بهر حال تحقیقات خود را عمیقاً [illegible] خواسته شده
خواهم [illegible] - تازه [illegible] خدمت خواهم نوشت
دیگر عرضی ندارم [illegible] میباشم [illegible] شده [illegible]
نامه [illegible] شما هستم . با [illegible]

[illegible] فرزند [illegible]

١٨ / ١ / ٢٥ ۴۹ نمره ۱۱

سرور گرامی بزرگوار جناب آقای مینورسکی [illegible]

[illegible] وحشی [illegible] امیدوارم که با متعلقین [illegible] مرقوم شد [illegible]

[illegible] نامه [illegible] تا [illegible] زیارت [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] امیدوارم [illegible] کتابهای [illegible] کرمانشاه [illegible]

[illegible] کرمانشاه [illegible] کتابهای [illegible] کرمانشاه

[illegible] خواهید [illegible] در [illegible] کتابهای [illegible]

[illegible] میکنند [illegible] از این [illegible]

[illegible] [illegible] مرقوم [illegible]

[illegible] خواهم رفت [illegible] بنام خندان [illegible]

[illegible] اهل حق هستند [illegible] اطلاع [illegible]

منطقه کرمانشاهان [illegible] جمع [illegible] نمایند [illegible]

[illegible] در منابع [illegible] احتیاج دارند [illegible]

خوانده میشود [illegible] بنام خندان [illegible]

[illegible] اهل حق [illegible] گوران هستند [illegible]

[illegible] اهل حق و [illegible] گوران است. [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] گوران [illegible]

[illegible] تغییرات [illegible] اطلاعات کاملی [illegible]

[illegible] گوران میباشد [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible] خندان [illegible]

تحقیق خواهم نمود. [illegible] کتاب [illegible] سرانجام [illegible]

[illegible] گوران [illegible]

[illegible — vertical marginal notes]

۳

مقدرت پیدا نشد و خیلی کم که گفتم در بعضی از منازل قدیمی اهل حق پیدا نشود که مثال قرآن مجید

کتاب مقدس میدانند و دم دست نیست. [illegible] تا کنون حقیر دست یافته بودم. کتاب سرانجام

است که بسیار [illegible] کلام [illegible] است در منطقه کرمانشاهان. اطوریکه من تحقیق نمودم فقط یک جلد

موجود است که آن نیز در کرمانشاه نزد یک خلیفه بنام شیخ خالد که از سلسله [illegible] میباشد [illegible]

در کرمانشاه ساکن است. [illegible] این شخص دو سه مرتبه [illegible] کرده و درباره اتفاق ملاقات با ایشان

در بین ما [illegible] است ولی ما کاملاً [illegible]. مرا دعوت کرده. کرمانشاه متاسفانه [illegible] دقیق از ایشان

نگرفتم ولی اطوریکه کاملاً [illegible] که در کرمانشاه [illegible] محل [illegible] است

[illegible] بیست [illegible] این شخص [illegible] ملاقات [illegible]. یک جلد قدیمی از کتاب

سرانجام [illegible] اهل حق [illegible] این شخص موجود میباشد که [illegible] از اهل حق [illegible] کرده‌اند [illegible]

[illegible] موفق [illegible] اند. [illegible] درباره چند دقیقه [illegible]

[illegible] گفته است. [illegible] اهل حق [illegible] ده هزار [illegible]

[illegible] کتاب [illegible]

[illegible] عمل [illegible] عمیق [illegible] وقت [illegible] عکس [illegible]

[illegible] شخص [illegible] قد متوسط [illegible] کوتاه

[illegible] بینی [illegible] چشم [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] تا کنون [illegible] عرفان دارد [illegible]

[illegible] میباشد. [illegible] اطلاعات [illegible]

[illegible] تقدیم خواهم نمود. [illegible] خواهم گرفت [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible] سوال [illegible]

خواهم [illegible] تحقیق بکنم. [illegible] تحقیقات [illegible] لازم است که

[illegible] کامل [illegible] خدمت خواهم فرستاد.

[illegible] بنام آقای سید علی اکبر [illegible] است [illegible]

[illegible] خیابان [illegible] خانقاه [illegible] شماره تلفن [illegible] ۶۵۲۵ میباشد.

وفاتش ... در مقبره سید صالح شوشتری مدفون است و از علما و عرفای عصر خود بوده و از

شاگردان قطع — یکی از دهات شوشتر ... [illegible] ... عالم صالح عارف مشتق زاهد و دارای مجلس موعظه

و دیوان عالی در مدایح و مراثی اهل بیت عصمت علیهم السلام و از تخلص ایشان بوده چنانکه از اشعارش پیداست

ص ۵۰ — از دوستان ... شوشتر ... شیخ ... در سال ۱۳۰۴ فوت شده است

تاریخ ولادت در دست نیامده و از معمرین بوده و گفته اند از اطبای ... خود در سال

۱۳۷۱ ... موجود است.

حوزه درس ... و شاگردان دانشمند ... مجلس درس ... علمی ... اندازه

... از ... شیخ ... سید صالح ... در سال ۱۳۴۹ نوشته

درس و وفاتش ... است

تالیفات وفاتی ۱ـ ~~[illegible]~~ رساله در ... است که ...

سید ... شوشتری ... ولذا ... السلام علیک یا ... السید صالح المطلع

... ۱۲۹۴ ... موجود است

۲ـ سراج المنهاج در سیر و سلوک ... نوشته و ... چاپ شده ۱۳۹۴

۳ـ الشهاب الثاقب در رد صوفیه ... [illegible]

و همچنین کتاب التنبیهات الجلیه ... فارسی چاپ شده است

۴ـ دیوان شعر ... است. ... [illegible]

... ۱۳۸۸ ... [illegible]

۱۴/۱۲/... سید ... [illegible]

I

[illegible] ... قرآن ... [illegible]

... [illegible] ... تقدیم ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

طالب حقیقت ... هستم ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... حقیقت ... [illegible]

... [illegible] ... کارتان ...

... [illegible]

[illegible]

۲۰/۸/۵۲

ص ۵۱

هو

خدمت بزرگوار پیر روشن ضمیر جناب برهنگ مدظله دام الحقیقة

پس از ارادت قلبی خدمت سرکار پس عرض سلام و عشق با علی مدد حفظ احتیاجاتتان را از مولا خواهانم. مکتوب و مجله جنابعالی را [illegible]

زیارت نمودم بی‌اندازه از مرحوم حالات تشکر میکنم [illegible] توجه فرموده [illegible] قسم [illegible] خدمت مرحوم [illegible]

مورد [illegible] لیکن شما [illegible] بسته که [illegible] قول معروف [illegible]

و [illegible] میکنند که [illegible] در مورد کتاب شما [illegible] موضوع [illegible] لیکن [illegible]

واقع نشده. بهر حال در مجله [illegible] مطالب خوب [illegible] تشکر [illegible] خوانده [illegible]

[illegible] خراب شده این محلات خوب [illegible] بهانه [illegible] مردم ایجاب است. [illegible]

مجله [illegible] و از مطالب [illegible] استفاده [illegible] منحصراً [illegible] عالی و معتقد شما [illegible] مطالعه [illegible]

ترتیب [illegible] از طریق مرکز این مجله در تهران [illegible] صندوق [illegible]

اقدام [illegible] این چنین مجلات [illegible]

[illegible] است لیکن [illegible] کتاب [illegible]

برایم [illegible] تقدیم [illegible] کنم [illegible] است [illegible]

بخدمت تقدیم نکنم. [illegible] بخدمت جنابعالی [illegible] عرض سلام [illegible]

فقیر [illegible] هستند [illegible]

[illegible]

[illegible] استفاده [illegible] جناب [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است

[illegible]

ص ۵۲

هو

۳۱/۱/۵۲

محضر محترم جناب برهنگ مدظله العالی

نامه ۱

پس تقدیم عرض سلام همراه سلامتی و موفقیت ارکان را از خداوند متعال و ائمه اطهار و مولای درویشان خواستارم

نامه پر محبت آمیز در بهترین اوقات و اصل روز [illegible] مطلع شدم از آنکه از الطاف و محبت فرموده [illegible] فقیر [illegible]

بوده نهایت تشکر را دارم [illegible] خود را [illegible] محبت و الطاف [illegible] قرار [illegible] خواهند [illegible]

طریقت [illegible] راه حقیقت [illegible] اول موفقیت [illegible] خواستارم [illegible]

خواستار [illegible] شرح زندگی و احوال این فقیر [illegible] بزرگان [illegible] خواستار بوده

[illegible] فقیر [illegible] در سال ۱۳۱۱ در شهر [illegible] سادات [illegible]

[illegible] در جستجوی حق و حقیقت [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] طریقت [illegible]

[illegible] در جستجوی [illegible]

[illegible] فقیر [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] الحسنی و الحسینی [illegible] احوال [illegible]

[illegible] طریقت [illegible]

[illegible] فقیر [illegible]

[illegible] طریقت [illegible] حقیقت السید [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] ایران [illegible]

(۲) [illegible]

(هو)

۵۳

۴

[illegible] هفته به تهران وارد و مراسم [illegible] و خدمت و [illegible] در سنندج بخدمت ایشان مشرف

و مورد لطف و عنایت ایشان شدم و در سال ۱۳۲۲ شب تولد حضرت مولا امام علی [illegible] عازم

قریه [illegible] که هم مرز عراق میباشد خدمت جناب شیخ السید محمد سید عبدالقادر زاده اخوی مکرم و بزرگ [illegible]

دستگاه شیخ السید عبدالکریم و [illegible] این فقیر میباشند [illegible] از حضرت ایشان به کسب فیض نایل و مفتخر شدم

البته خدمت مشایخ کبار و استادان و عارفان از نظر اهل طریق [illegible] است ولی از نظر استادی و ارشادی مافوق

باز شخص سالک همان استاد اول میباشد چون میفرمایند الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق و طریق باندازه

نفس بشر است [illegible] خدا [illegible] از همه [illegible] و [illegible] حقیقت [illegible]

طریقه مبارکه علیه عالیه قادریه است که از حضرت محمد صلی الله علیه به حضرت علی علیه السلام و شیخ حسن بصری رضی الله عنه

و سایر مشایخ کرام که اسامی [illegible] وقت زیاده [illegible] درخواست [illegible] تقدیم [illegible] و از ایشان

[illegible] به حضرت پیر گیلان و شیخ [illegible] گیلانی و از ایشان به شیخ [illegible] حضرت شیخ السید عبدالکریم

[illegible] کسنزانی [illegible] ایشان [illegible] فرموده بودند

نظر خود را [illegible] به تصوف و [illegible] مقصد یکی است راه مختلف و [illegible] خود را [illegible]

مولانا [illegible] و توفیق و سعادت تمام [illegible] سالکان راه حقیقت و ارشاد ایشان

[illegible] پیران طریقت خواستم [illegible] جواب [illegible] ثابت [illegible] را [illegible] /

[illegible] ولایت

[illegible] لا است

[illegible] پیران طریقت

[illegible] السید عبدالکریم کسنزانی

[illegible] سنندجی

[illegible]

[illegible]

بودند و اکنون [illegible] مقیم [illegible] در کرکوک عراق [illegible] میباشند در خلال مدت هشت سال [illegible] فقیر بوده

و خدمت کردن این فقیر تا چیز را به خلیفه نفس خود القاب فرموده [illegible] خودشناسی نایل شده‌ام -

تا [illegible] خواهم [illegible] دانش [illegible] و کسب [illegible] ایشان طریقت عالیه قادریه

[illegible] محبت [illegible] فرموده [illegible] مشایخ بزرگان [illegible]

فقیر [illegible] ایران به خاک [illegible] قدم نهاده‌ام [illegible] زیارت [illegible] دارم که به زیارت [illegible] عتبات و بغداد [illegible]

به زیارت دستگاه [illegible] حضرت شیخ [illegible] گیلانی [illegible] به کرکوک خدمت استاد [illegible] حضرت [illegible] عبدالکریم

نایل [illegible] به زیارت خانه خدا [illegible] مصطفی [illegible] ایران در سال ۱۳۴۳ در کرمانشاه

خدمت جناب [illegible] عتبات عازم بودند نایل [illegible]

ایشان [illegible] لطف و محبت فرموده و از طریقت قادریه [illegible] سالک [illegible]

[illegible] جواب [illegible] عتبات [illegible] سنندج [illegible]

[illegible]

در [illegible] جناب [illegible] شیخ [illegible]

[illegible] شرفیاب شدم در تهران خدمت [illegible] جناب [illegible] در سنندج خدمت جناب [illegible]

شیخ [illegible] در تهران خدمت جناب [illegible] مرحوم و از کسب فیض آن بزرگان بهره‌مند شدم در سال ۱۳۴۴

در سنندج خدمت جناب [illegible] شیخ [illegible] طریقت الهی [illegible] در سنندج

شرف [illegible] در حضور ایشان به کسب فیض نایل و مفتخر شدم [illegible] سال ۱۳۴۴ [illegible] سال ۱۳۴۵

[illegible] خدمت جناب [illegible] شیخ [illegible] ایشان هم [illegible] سنندج تشریف [illegible] شده

بودند [illegible] کسب فیض ایشان [illegible] در سال ۱۳۴۵ خدمت جناب شیخ [illegible]

[illegible]

هو

۲۹٫۳٫۱۶

۵۴

سرور بزرگوار پیر دلیل حضرت محترم جناب [illegible] ارواحنا فداه

دست بزرگوار عزیز را از صمیم قلب در مقام کوچکی خود بوسیده و امیدوارم حق دارم که [illegible]
عرض ادب [illegible] خدمت جنابعالی و خانواده [illegible] از طرف [illegible] خانواده خود تقدیم دارم. مکتوب [illegible] عزیز [illegible]
[illegible] بر چشم نهادم [illegible] محترم محب [illegible] شما را [illegible]
[illegible] که [illegible] مقام جنابعالی [illegible] در [illegible] که [illegible] قدم [illegible]
[illegible] خدمت [illegible] نسبت شما [illegible]. امیدوارم که مرا [illegible] خواهید بخشید.
[illegible] تقاضا [illegible] که [illegible] تشریف [illegible] که [illegible]
[illegible] خودتان [illegible] خودتان که [illegible] از [illegible] انتخاب [illegible]
[illegible] امیدوارم که خواهید بخشید. [illegible] که [illegible] اطاعت [illegible]
[illegible] تقدیم خواهم کرد [illegible]
[illegible] منظور [illegible] دیگر [illegible]
که [illegible] منظور شما تا [illegible] در کتاب جنابعالی [illegible] که [illegible]
خواهید بخشید. [illegible] طریقه نقشبندیه [illegible]
[illegible] تقدیم [illegible] البته [illegible] عراقی [illegible]
[illegible] در تمام نقاط ایران که [illegible] میان [illegible]
[illegible] مبلغ [illegible] صد [illegible] اختیار [illegible] خانقاه [illegible]
[illegible] تقاضا دارم که آنان که سواد ندارند [illegible]
[illegible] البته [illegible]
[illegible] بیشتر [illegible]
[illegible] باشم که [illegible] برسم. [illegible] خدمت [illegible]
(و [illegible] که از [illegible] خواستم [illegible]) [illegible]

[illegible]

۱۳۲۷/۳/۱۸

نمره ۵۶

قربانت [illegible] به هر چه صفا به هر چه وفا

[illegible] حضور [illegible] برسانم پس از تقدیم عرض سلام عارفانه عاشقانه

صوفیانه [illegible] مسعود مولود حضرت [illegible]

کائنات (ص) امیدوارم [illegible]

[illegible] حال [illegible] سلامت باشد

کارهای که [illegible] دادم [illegible]

[illegible] از زیارت [illegible]

[illegible] حضور محترم [illegible]

محترم [illegible] دعا دارم عرض سلام [illegible]

مبارک جناب آقای [illegible] محترم و جناب [illegible]

فرمایید آقای محترم که از بنده [illegible] خواسته بودند

مدت [illegible] نظر از تقدیم [illegible] استدعا دارم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۵۷

حضور مبارک جناب برادر [illegible]

[illegible] نامه‌های گرامی [illegible]

[illegible] امروزها خیلی ضعیف‌ام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حاج [illegible] حیدر

مهر ۵۹

الحق
وعلی مع الحق
علی

اسدالله در وجود آمد　　در پس پرده هرچه بود آمد

بافتخار میلاد با سعادت پادشاه حقیقت حضرت علی علیه‌السلام مجلس جشنی در روز چهار شنبه ۲۶ مهر ماه از ساعت ۲ بعدازظهر در جم خانه حقیقت بر گزار خواهد بود .

یاران حقیقت مقدم جنابعالی را در این جشن فرخنده گرامی میدارند

سیدکاظم نیک نژاد

به سرکار [illegible] بزرگ [illegible] مهر ۵۹

پیکارم :
نام مصطفی فرزند محمود تهرانی زاده سال ۱۲۹۸ خورشیدی .
پژوهشگر دانشی (تحصیلات) در رشته آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) فرا رفته در داخل و خارج کشور به مدت ۲۳ سال و آگاه بکار ۴ هنر دستی .
بینا (واقف) به دانش گروه (علم الاجتماع) .
پژوهشگر در امور آئینی ها (ادیان) و همبستگی دوستان .
آشنا و برخوردار از دانشهای یازده مرشد و شیخ راه درویشی / ۲۶/۹/۱۳۴۹

مصطفی الحسینی

شیخ دکتر نوربخش در مازندران

جناب [illegible]

مرقومهٔ محترمه عالی مورخ ۴۴/۸/۲۳ جنابعالی که از تهران به قم
ارسال فرموده بودید زیارت شد، از وقت انتخابی در موضوع شرح احوال
و فهرستی از آثار [illegible] که قابل تحسین و تقدیر است، تشکر میکنم.
از اینکه آثار قلمی این فقیر حقیر مورد مطالعه آن مرد کریم قرار گرفته است
[illegible] تشکرات خود را تقدیم میدارم، از مدیر محترم کتابخانه هم سپاسگزارم
اکنون موارد تقاضا را بررسی میکنم:

۱- نظر درباره تصوف: شاید [illegible] کتابهای [illegible] الخلفاء
مقامات العرفاء [illegible] [illegible] و [illegible]
مختصر عرض میکنم تصوف: عبارتست از [illegible] لطایف [illegible]
[illegible] و [illegible] قرآن تا رسیدن [illegible] قطع [illegible]
[illegible] و لطائف [illegible] آیات [illegible]
[illegible] اصول کار است و [illegible] لطائف است.

۲- [illegible] اصول کار است و [illegible] لطائف است.
[illegible] اصول کار است و [illegible] قرآن و در [illegible]
دادن [illegible] لطائف است [illegible] اصول کار است [illegible]
[illegible] لطائف است و در تصوف [illegible] لطائف [illegible]

۳- آثار قلمی فقیر ۱- کتاب [illegible] فی [illegible]
والاضداد چاپ سنه ۱۳۴۳ قمری ۲- تاریخ [illegible] ۳- تاریخ
[illegible] ۵ ج در [illegible] ۴- شرح [illegible] ۵- [illegible] اولوا العزم
۶- مقالات ۷- مقامات ۸- تاریخ [illegible] ۹- رجال [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] کتاب تذکرة القبور [illegible]

۹- حجة بالغه در شرح احوال حافظ ابونعیم اصفهانی و کتاب اربعین
(۴۰ حدیث درباره حضرت ولی عصر روحی فداه) ۱۱- [illegible]
عمر آنحضرت ۱۲- [illegible] (تاریخچه [illegible]) ص ۳
تاریخ گلپایگان (دبیرستان [illegible] تهران) [illegible] چاپ رسیده است
۱۱ تفسیر قرآن و نیز تاریخ [illegible] تهران طی [illegible] و تاریخ [illegible]
چاپ نشده است. [illegible] ورقم [illegible]
ضمناً [illegible] [illegible] تشکر [illegible]

حکمت

۵ شنبه ۱۷/۹ شعبان ۱۳۸۵ – ۱۱ آذر ۱۳۴۴

۶۱

۴۸۸

۲۹/۹/۱۵

عرض میشود [illegible]

[illegible]

ص ۶۲

۱۰/۲/۵۸

دوست بسیار گرامی [illegible]

[illegible]

برای [illegible] تشکر [illegible]. از لطف و محبت [illegible]

۱- [illegible] کتاب به پیوست تقدیم [illegible]

۲- [illegible]

[illegible] تقدیم [illegible]

۳- [illegible]

[illegible] تقدیم [illegible]

(کتاب [illegible] جغرافیای [illegible] - [illegible] جغرافی [illegible])

[illegible] چاپ [illegible]

[illegible] (ادبیات [illegible] برگزیده - ۲ - [illegible])

[illegible] (کتاب [illegible])

[illegible] فرصت چاپ [illegible]

[illegible]

۱۳۴۸/

ص ۶۳

دوست عزیز

رقیمه شریفه مورخه ۱۳۴۸/۶/۱۷ [illegible]

[illegible] حقیقتاً [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ملک [illegible] ناصر [illegible]

۵۴/۱۱/۲۶ نامه

[illegible]

بعرض عالی میرساند پس از تقدیم عرض سلام بنده

فقط یک سؤالی از حضرت عالی دارم

[illegible]

بنده حقیر باید اظهار کنم چند سال قبل

در اثر اینکه وعده فرمودید [illegible] مسائل [illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

[illegible] از آن وقت تا حال

چشم انتظار بنده [illegible]

چند دفعه عرض کردم [illegible]

مرحمت فرمودید نفری دو جلد [illegible]

[illegible] عالم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ارادتمند حضرت عالی حاج [illegible]

۲۷۸/۳۹

۲۶۴

۱۳۱

[illegible]

[illegible]

قربان حضور مبارک جناب آقای ... زید عزه

پس از عرض مراتب ارادت و دعاگوئی عرض ... [illegible]
... [illegible] ... با این نکته توجه
میدارد ... [illegible] ... در بین فقرای خانقاه ... این قبیل
امور بدون اطلاع و اجازه سرسلسله جلیله
بوده ... البته در این موضوع در تهران ... [illegible]
حضرت درویش ... موضوع را در ... [illegible]
... اجازه فرمایند تقدیم ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... الاحقر ... [illegible]

۳/۱۰/۱۳۵۶

ص ٦٦

حضور عالی ... پس از تقدیم عرض سلام و ارادت ... از ...
... انتظار ... [illegible]

هرگاه از خاطر شریف ... فراموش نشده باشد چند سال
قبل ... [illegible] ... سالم ... ۵۰ نسخه
رسید چاپ فرمائید

بنده از ... استدعا دارم اگر ...
... چاپ ... مرقوم
فرمائید تا آنکه بنده ... متوجه باشم و اگر ...
چاپ شده یک نسخه از آن را برای بنده با تعیین قیمت
ارسال فرمائید استدعا دارم ... جواب
... والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]

اگر خانقاه کبد بیر [illegible] جاهل است دیگران هم چون مرا تسلیم بیرا [illegible] التفاتی ندارند ۶۹/۱

[illegible] در ارض اقدس تنها و با ناراحتی بسر میبرم دل خود را با ساخته‌ام ۱۰ فقره اشعار دیگر در اول نامه ملاحظه

فرمودید تا صد و بیست رباعی سروده‌ام تخلص ولا با ساخته حال نظم گوئی ندارد مقصود از ذکر این مطالب

آنکه حالکه تا کنون یک صدو ... پیدا نشده است ... خدا ... راجع باین صد و بیست رباعی

که عرض شد نامه ای در راه دوستی خدا با آقای ولائی که در کتابخانه آستانه مقدسه میباشند مرقوم فرموده

نامه چنین باشد قبلاً عرض کردم اشعار چاپ اگر باری شیخ بهائی یا خواجه ابوسعید بوده روشن میشد که اهل زمان

با چه چشمی باو نگاه میکردند و آوازه سخن سعدی را حافظ در زمان خودشان تا این حد میبوده است و کسی چندی

اعتنا نکرده کما آنکه سعدی در گلستان فرموده زبانی از تهی دستی ... راه میرفتم و حافظ

در دیوان خود گفته تا آبرو میبردم نان میبرند بهر حال حضرت مستطاب عالی در نامه آقای ولائی

توجه نفرمائید که برای حفظ دو جهت [illegible] بلکه بفرمائید حیدر میرزا مایل است این صد و بیست رباعی را

توسط شما یکی از کتابخانه‌ها که در شهر یا خارج هست یا شهر یا شهر دیگر بفرستند توضیح بیشتر آنکه

این جانب اشعار مذکور را با یک نامه ضمیمه با خط خود تقدیم آقای ولائی کنم ایشان در بیرون

کتابخانه ... مایل باشند ارسال فرمایند و جناب آقای ولائی هم ... از کتابخانه مذکور

... باشند که این اشعار را بطبع رسانند جز آنکه معظم له یک سطر در نامه بنده بنویسند

تقدیم عنوان

... حیدر میرزا از کتابخانه آستانه این اوراق را ارسال میکنند آنها نیز بعضی کتابخانه

شهر خارجه هستند تحت تاثیر کسی قرار میگیرند بنده در نامه خود میتوانم اشعار را ملاحظه فرمائید چنانچه

... طبع دارد بطبع رسانیده اگر ارزش ندارد دور بیندازید آنها با چنین پرسش با این تمنا ...

... میرسانند ولی برادر جان بنده منتظرم جواب این نامه بمن میرسد یا خیر چنانچه بهشت ماه قبل یک نامه ...

... از ارسال داشتم چنانچه رسیده باشند جواب آن بکار نرسیده در صورتیکه ... خیر این تمنا

داشتم که در شهر ... مانده‌ام و روستان طهرانی از من خبر ندارند حضرت عالی در ده ... یکی از آشنایان

... خود ... باشید در راه بیست سی تومان بمن لطف کنند مبادا منهم یکی از افراد ... در زبان

... خود اهل ایران او را بد ... در صورتیکه از حال او خبر نداشتند در همان رباعیات ...

آنکه بیرون ... ایراد چرا با اهل ... ندارد ... آگاه ... دوست ... این

... تو در این ... در این باره بیش از این وقت بر ... نگیرم و چند رباعی در ... جداگانه

این خط ... میکنم چنانچه حال مطالعه بود ملاحظه فرمائید و مقبول ... عرض نکنم

زیبد که ز درگاه بهشت نومید نگردد باز هر کس که با میدی بر خاک در ت افتاد

ایام عزت مستدام تقدیمی بنده کمترین حیدر میرزا

مشهد مقدس بازار ... کفاشی حاجی عبدالحسین ...

سرور گرامی جناب ... دام ظله

با کمال ... از ... جواب ... در ...

جواب ... را ...

... عنایت ... عنوان ...

... حال ...

... حال ...

... چند ...

اوقات ... بنده ...

... حال ...

... از ... در ...

... بنده ...

[illegible]

نمره ۷۱

بجاده ادرجه دولت دانشمند جناب آقای سرهنگ [illegible]

[illegible]

[illegible]

آلحمی

۷/۱/۲[illegible]

حضور مبارک حضرت آقای سرهنگ [illegible] پس از ابلاغ سلام و تقدیم احترامات [illegible]

از آغاز سال [illegible] امیدوارست [illegible] سال و ماه با خاندان [illegible]

[illegible] خدمت سرکار [illegible]

[illegible] چند رباعی تحریر داشته [illegible] از مضامین اشعار [illegible]

(جهان فانی)

جاوید کسی نماند در دار جهان [illegible]

(سود و زیان)

بازار جهان [illegible] سود و زیان [illegible]

(آرزو)

(بقای خلوت)

(یارب)

(عمر ازل)

(نکوه الفتی)

(سخن مخیر)

(یکی یار)

(سرمستی)

(وسعت فکر)

[illegible]

عزیزم فدوم نامه آنجناب [illegible] ازبروده [illegible] دو [illegible] گویا شرح حال

حقیر را خواسته بودید [illegible] نام [illegible]

[illegible] تا [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] و تقوی در شهر قم [illegible] واز [illegible] موسوی ازنسل [illegible]

[illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام [illegible]

آنکه در علوم اسلامی و [illegible] جناب [illegible]

و [illegible] تصوف و عرفان [illegible] لکن [illegible] نور علیشاه [illegible]

[illegible] از سادات [illegible] سال [illegible]

چهارده [illegible] در شهر قم [illegible] است گرچه [illegible]

در سن طفولیت [illegible] [illegible] و [illegible]

بازی [illegible] اسباب زحمت دیگری [illegible]

والده حقیر [illegible] [illegible] لکن [illegible]

[illegible] و شهادت [illegible] [illegible]

[illegible] دعای صباح حضرت امیر [illegible]

و سایر ادعیه [illegible] و در [illegible] گرچه [illegible]

۳۵ (۵/۲/۳)

حضور محترم حضرت اجل آقای [illegible] محمد [illegible] حفظه الله تعالی [illegible] ۲۱

پس از تقدیم ارادت معروض میشود [illegible] حضرت [illegible] و عزیزان

عرض [illegible] حضرت [illegible] که در مصاحبت جناب آقای حاج [illegible]

[illegible] الاستظهار [illegible] حضور [illegible] اطلاع [illegible] تقدیم و

[illegible] دیگر [illegible] یادداشت [illegible] شرح [illegible]

گردید [illegible] روز گذشته [illegible] با حضرت [illegible] یک مرتبه [illegible]

یا باصطلاح [illegible] کتاب تالیفی [illegible]

[illegible] اگر [illegible] انجام اقدام [illegible]

گرچه [illegible] دو جلد [illegible]

بیشتر [illegible] چاپ [illegible] عزت [illegible]

[illegible] خاکسار

هو

۷۳

نام شریف ایشان آقای حاج سید مرتضی فرزند مرحوم حاجی سید محمد مؤدب الدوله از سادات [illegible] که

۲۷ پشت منتسب به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میرسانند. والده ایشان دختر مرحوم حاج سید صدرالدین [illegible]

بوده که مقبره آن مرحوم در کاشان [illegible] واقع است.

.. اسم طریقتی ایشان آقای میر مظفر علیشاه مرحوم [illegible] از فقرای خاکسار و مرید مرحوم حاج [illegible]

الله با اجازه دستگیری و شیخ بودن از طرف آن جناب با [illegible] انزوا و گوشه گیری را ترجیح داده

و از اجتماع و [illegible] دوری جسته و گوشه ای اختیار کرده در تهران [illegible] حضرت امام زاده [illegible] زندگی میکنند

[illegible] فتوحات [illegible] بتفصیل [illegible] باشند [illegible] تحقیقات

بیشتری [illegible] در کتاب [illegible] از [illegible]

از ایشان ذکر شده [illegible] کتاب [illegible] از طرف [illegible] که [illegible]

برای [illegible] متن [illegible] ایشان [illegible] تقدیم [illegible]

خطاط کی دفتر مرید و جانشین مرحوم فردوسی (فردوسی مدعی
جانشینی ذوالریاستین) است و ساکن شهرری است

۷۴

شیخ عبدالله صوفی

[illegible]

بعرض برادر گرامی [illegible] حقیقت شناس سید [illegible] از الطاف و محبت

این برادر [illegible] خوشوقت شدم از [illegible] حالات فقیر

[illegible] چون تازه از اردبیل آمده و [illegible]

[illegible] از اوقاف شهسوار [illegible] فقیر [illegible] بسیار

[illegible] فقیر [illegible] دیگر [illegible] است

مجله عرفان [illegible] فقیر [illegible] شغل [illegible]

والبته [illegible] حقیقت [illegible] تهران

[illegible] نتیجه [illegible] تشویق [illegible]

[illegible] صالح علیشاه [illegible] الفدا

[illegible] از [illegible] تهران

تکل ... سنجر ... [illegible] ... سطور ... [illegible]

۷۶

خوش آن زمان که در آغوش بگیرم تن تو سیمین
تو نو رو دیده بدیده ام ... رخ بی‌بین

زعارض تو گل بوستان جمال شکافد
که عرق گل شود دسته گل ... بچین

تو گر عادت مسکین نوازی است ترحم
بر این چیست که با عاشقان خویش بکین

خیال گرد دلم گرد بار عشق ببرد
بچشم عشق ترا دیده ... و یمین

بجز جمال تو زین رو دلم کسی نگزیند
که محرم دل و جانم بر از عشق امین

چه حاجت است که در آسمان مکان تو باشد
روا بود به بهشت دلم تو جان گزین

بجان دوست که غیر از تو دوستی نگزیدم
تو تنها مقصود و فازم تو ام حقیقت دین

بیا و قلب ... از کرم چو ارم کن
که سالها بغبار در تو سوده جبین

تا بوسم آستانت آشفته زنجیرم
کس زکوتش ما ... [illegible]

گفتم من عاشق و مجنون و ... [illegible]
گر من لیلی وش داغ بند غم اسیرم

پشت من چون دال خم شد بر زلفت نهادم
آخر ای آرام جان کن رحم بر این حال پیرم

وعده کردی چون رخود رفتم لبم ... [illegible]
من رخود رفتم تو رحم ... [illegible]

این رخود رفتن بود از کیش هوس ها ... [illegible]
این بلا دردا دوش آن ... [illegible]

ای خوش آن رندی که در او نیست خودپرستی
گشته دور از نفس ... [illegible]

گوش کن یا لیتنی گفت ترا با از ملایک
این سخن با شد ... [illegible]

آدم از شناخت خود از ملک بالا شد ... [illegible]
آدمم من بر تمام خلقت باری ... [illegible]

من ... نام نشانم در طریقت
دارم از نام و نشانی با شد از الطاف پیرم

لیلة القدر شب زلف تو شام دگر است
شمس رخسار تو را پرتو تام دگر است

در میخانه اگر بسته شود نبود باک
مست و مدهوشم از شرب مدام دگر است

ماه رویان همه چون کبک خرامند ولی
سرو بالای تو را طرز خرام دگر است

می انگور دهد نشئه به هر کس لیکن
نشئه عاشق روی تو ز جام دگر است

هر کس کام ز ملذات ... طلبد
عشقبازان تو را لذت و کام دگر است

همه کس مهر و تحمل بجفای تو کنند
جان نثاران ترا مهر و دوام دگر است

هر که آن عاشق رخسار نکو شد خاست
مایل پرتو رخسار تو خام دگر است

بگشا از لب ... دلم
کاهوی چشم تو یک آهوی دام دگر است

شهره عشق بود کوه کن و مجنون لیک
شهره عشق تو را اسم و نام دگر است

در شب هجر تو تا صبح ... [illegible]
لیلة القدر شب زلف تو شام دگر است

بدرون بیقرارم تو اگر دهی قراری
به سین وجودم از تو برسد نکو عیاری

به سرم لبی لند کن که زخاک پایت ای جان
برهم ز نا امیدی رسدم امیدواری

تو چو کام من بر آری نبود عجب ز لطفت
که به لطف گراست تو ملیک کامکاری

همه شب بدرگهت من زره نیاز آیم
تو اگر به هر نیازم دو هزار ناز آری

بجز ابر از غم تو شد منزل چه سازم
با سیه آن که زاری ... آخرت گذاری

چو سواره میکند شی برهت نشسته بودم
که نشسته از ره تو بسرم مگر غباری

برو ای طبیب عاقل که دوای این جنون را
تو نه اندر ... وازاو خبر نداری

ز ره قیاس ... دل چو صوفی
تو اگر وفا نداری بخدا صفا نداری

۹/۲/۵۲ هو ص ۷۵

بعرض ... [illegible] ... اشتغال ...
چون ... [illegible] ...
... [illegible] ...
اگر از ... [illegible] ...
در ... [illegible] ...
انتظار ... [illegible] ...
... [illegible] ...
از ... [illegible] ...
... [illegible] ...
شروع ... [illegible] ...
... [illegible] ...

... [illegible] ...
... [illegible] ... مرقوم
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...

هو
۱۱۶

شماره ________ تاریخ ۱۳۲ ________

تلفن ۲۰۴۵ ۱۳۲ ________

۷۶

تنت بناز طبیبان نیازمند مباد — وجود نازکت آزرده گزند مباد

[illegible]

هو ۱۱۰

۷۷

هو حق [illegible] حضرت ادیب [illegible] دانشمند فاضل [illegible]

جناب آقای [illegible] طریقت

[illegible] جناب حاج [illegible]

[illegible] ۱۲۸۴

[illegible]

[illegible] در سال ۱۳۱۵ [illegible]

[illegible] جناب حاج [illegible] ۱۳۲۶ [illegible]

[illegible] ۱۳۲۹ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] طریقت [illegible]

۲۳ / ۹ / ۴۹

۲۴/۱۲/۲۰

هو

یا علی مدد

حق

ص ۷۹

همه روزتان روز نوروز باد — همه سالتان سال فیروز باد
نگهدارتان باد یزدان پاک — بود یارتان داور آب و خاک

حضور مبارک جناب [illegible]

عشق و یا علی مدد پیام [illegible] مبارک [illegible] زیارت شد [illegible] از اول تا آخر را مطالعه نمودم
[illegible] بیشتر [illegible] کتاب [illegible] [illegible]
[illegible] و [illegible] [illegible] نیز [illegible]
در این راه [illegible] موفق و پیروز خواهید شد

[illegible] تاریخ تولد و اسم و شهرت و [illegible] [illegible]
[illegible] مشرف شدم و [illegible] سلوکم [illegible] [illegible]
۱- اسم [illegible] شهرت [illegible] نام پدر محمد نام مادر نرگس زادگاه تهران ناحیه ۹ [illegible]
تاریخ تولد ۱۲۶۲ شغل [illegible] در تاریخ ۱۳۰۷ [illegible]
مشرف [illegible] ۱۲ سال [illegible]
[illegible] مدت ۱۰ سال [illegible]
[illegible] حرم مطهر آقا [illegible] شمس الدین مدت ۸ [illegible]
[illegible] ۱ [illegible] ۲ [illegible] ۳ [illegible]
۴ [illegible] ۱ [illegible] ۲ [illegible] ۳ [illegible]
۴ [illegible] ۵ [illegible] ۶ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

الاقل الفقیر [illegible]

ص ۸۰

حضور محترم سرور گرامی جناب [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قربانت [illegible]

۲۸/۱۱/۴۲

۹۰
نامه های دفتر مدیر جانشین
مرحوم فردوس [illegible] ساکن
شهر ری

ص ۱

هو الحق یا علی مدد

غم درد دل سرگشته من فسانه چه سازد
یا للعجب این گنج به ویرانه چه سازد
در درد غم من چون همه از عشق [illegible]
با عقل و خرد او فرزانه چه سازد
[illegible] بالای [illegible] روز ازل عشق
با شمع فروزان [illegible] پروانه چه سازد
دل با الفت [illegible] و دگر هیچ
مشتاق تو با مردم بیگانه چه سازد
عاشق که بود محو جبین شه خوبان
جان را چه کند با غم جانانه چه سازد
مستی که ز [illegible] [illegible] دارد
ملک [illegible] و منصب شاهانه چه سازد
[illegible] [illegible] زاهد [illegible] [illegible] [illegible]
با [illegible] [illegible] مستانه چه سازد

ص ۲

دست من و دامان شه ملک دلا [illegible]
دل با کرمش [illegible] گدایانه چه سازد
در نظم [illegible] عشق و طرب [illegible]
[illegible] نجری شعر [illegible] چه سازد

رباعی

طائف کعبه عشقم ز فدا این [illegible]
بهر کسی که به عیان [illegible] [illegible]
طلب درگاه علی خادم دربار [illegible]
نجری [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

۱۳۴۹/۱/۱۷

فدائی درویش
نجری طاهر علیشاه
خاکسار

شرح حال [illegible] مشهدی

مشهور به علیشاه خاکسار - اسمش [illegible] در کربلا [illegible] اهل
عطارزاده که در سالهای [illegible] [illegible] [illegible] در [illegible]
[illegible] [illegible] و پس از چند سال تدریس [illegible] [illegible]
[illegible] به سیاحت و در سیر آفاق و انفس خود با اغلب مشاهیر
و عرفا برخورد مجلسی داشته اما در اوان جوانی و طلب در [illegible]
مقدسه [illegible] اشتیاق مجاورت و ذوق عتبه بوسی آستان [illegible]
[illegible] را داشت در خدمت شاهزاده محمد حسین [illegible] بابا
دربان [illegible] آستانه قدس حضرت امام رضا علیه السلام در سلسله
معروف به (عجم) تشرف فقری یافت و پس از
[illegible] در طریقه خاکساران در نزد آقای رضاقلی [illegible]
(منور علیشاه) جلالی مشرف به پیاله شد که در مناسبت
[illegible] همان سلسله [illegible] مراحل سلوک از پیر و نزد
سرسلسله وقت حضرت آقای محمد علی مطهری (مطهر علیشاه)
مشرف گردید و مقامات دیگر سلسله خاکسار در منزل
کمال و اصل جذبه و جوشش مشهور زمان [illegible]

سلوک و زندگی خود مورد قبول و رضایت حضرا[ت]
پیر و خود در حد کمال و ارادت در مراتب به مراحل
پیران بوده صاحب کتاب امداح و مراثی - [illegible]
- غزلیات - مجلدات خورشید دل که به چهار
عنوان [illegible] [illegible] کتابت در [illegible] [illegible]
او از اوان جوانی تا [illegible] سعید و پس [illegible] [illegible]
و زنان بعد در حال سیاحت گه گاه اقامت در [illegible]
و معاصر بودند با زنان حضرات

ص ۸۳

بسم الله الرحمن الرحیم

فرید عصر و وحید دهر، ترجمان قرآن و لسان زمان، آیة الله العظمی عالم عابد زاهد ناسک [illegible]
[illegible] صاحب شیخ محمد جواد انصاری همدانی رضوان الله علیه فرزند مرحوم حجة الاسلام صاحب [illegible]
[illegible] در سنه ۱۳۲۰ هجری قمری چشم به جهان گشود و در دوران طفولیت تحت سرپرستی [illegible] مقدمات علوم ادبیه [illegible]
[illegible] در دوران شباب [illegible] فقه و اصول [illegible] مرحوم حجة الاسلام [illegible] مرحوم صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible]
مرحوم صاحب شیخ محمد جواد پس از اتمام تحصیلات [illegible] فقه و اصول [illegible] اجتهاد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در همین ایام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ص ۸۴

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مرحوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مرحوم [illegible] ۶۵ سال [illegible] ۱۳۷۹ [illegible]
[illegible]
تشییع جنازه [illegible]
[illegible]

زندگینامه حاج میرزا جواد انصاری همدانی :

۱ ماهر، شیخ محمد ، آثار الحجه جزء دوم صفحه ۲۸۶ چاپ قم ۱۳۷۳ ق

۲ سید یدالله ، آئینه دانشوران صفحه ۱۶۳ " "

۳ رخشان - دکتر مهدی ، بزرگان و سخن‌سرایان همدان جلد دوم صفحه ۲۳۸ چاپ سال ۱۳۴۲ ش

زندگینامه آقا [illegible] میرزا [illegible]

۱ برقعی - سید محمد باقر ، سخنوران نامی معاصر جلد اول صفحه ۵ چاپ تهران موسسه [illegible] ۱۳۲۹ ش

زندگینامه عمان [illegible]

۱ برقعی - سید محمد باقر سخنوران نامی معاصر جلد اول صفحه ۱۶۹ چاپ تهران موسسه [illegible] ۱۳۲۹ ش

۲ [illegible] - موسی دیوان عمان [illegible] چاپ تهران (مقدمه)

زندگینامه گویا [illegible]

۱ مجله ماهانه [illegible] ، تهران ۱۳۴۹ از شماره ۸۰ تا ۸۴ سال هفتم آذر ماه ۱۳۴۹ [illegible]
" " " " ۱۳۵۱ از شماره ۱۰۰ سال دهم به قلم گویا [illegible]

۲

۳ مقدمه کلیات [illegible] جلد اول چاپ تهران به قلم رشید یاسمی

 ۲

یاهو

هر که چو ما طالب تجلی هو شد ... گشت منور ز نور هو و نکو شد

مولفش سالک کتاب سیر و سلوک است ... زانکه چراغ هدایت ره او شد (چونکه)

سید بحر العلوم حجة الاسلام ... آنکه ز صبح الست آینه رو شد

بود منور منیر علم و جودش ... نسبت این گنج علم و فضل بدو شد

بود نبی دوستدار شرع و شریعت ... رهبر خلق خدا بر غم عدو شد

چون ز طریقت بیافت سر حقیقت ... نور وجودش بجلوه از همه سو شد

گفتگوی ما و شیخ و عارف و عامی ... صحبت مشت و درش [illegible] شد

هر که شد مست از شراب حقیقت ... بد دلی آغاز کرد و عربده جو شد

چاپ و بی شد بطبع و نشر موفق ... آنکه چو گوهر به بحر علم فرو شد —

مهر علی چون بتافت در دل نوری ... صاحب این موهبت ز پرتو هو شد

رتبه سرهنگیش ز دولت شاه است ... کار نکوئی بدست مرد نکو شد

هر ورق این رساله عارف سالک ... شرح نبی گفته‌ها و [illegible] گو شد

بود بس آگه مدرسی ز حقیقت ... سعی پسندیدهٔ همت او شد

دید رموزی بدر این رساله ز قرآن ... دیدهٔ جان باز چون ز ما [illegible] شد

مست ز گلزار معرفت چو بجانش ... هر ورق این رساله غالیه بو شد

چون سر من پیش پای عالم دین است ... طوق اطاعت از آن مرا بگلو شد

رشتهٔ مهر علیست عروه و ثقی ... هر که از این رشته دور بگمرهو شد (ابداد)

با خبر از قدر شرع مصطفوی نیست ... گر همه در کار علم مسئله گو شد

عالم دین را بیان معرفة الله ... دین نه همین آگهی ز غسل و وضو شد

(معجزه) همه است در برابر وصفش
چونکه به بحر العلوم نسبت او شد

معجزهٔ حیدر

«ابیات» منسوب بحضرت آیة الله اعظم آقای حاج سید مهدی بحر العلوم قدس الله سره العزیز

بسیاری آقای حیدر «معجزه» بطبع رسید

بسرمایه حضرت آقای سرهنگ نوری مدرسی چاردهی دام مجده العالی

بسمه تعالی شانه العزیز

ای که خلق ما سوی ریزه خور خوان شماست / عالم و آدم رهین لطف و احسان شماست

کوثر و جنات و تسنیم و بهشت و سلسبیل / آیتی از گلستان و باغ و بستان شماست

نعمت لا منتهای جنت میرسد / دم بدم در سفره آنکس که مهمان شماست

از گریبان کرده ای روی محمد آشکار / یا که وجه الله در چاک گریبان شماست

ای بحق نام تو در امکان خدائی میکنی / ما سوی الله تا ابد در امر و فرمان شماست

گوهر پاک ترا تا ارض اقدس شد صدف / برتر از عرش برین خاک خراسان شماست

گشته از ذاتت مقام معبودیت آشکار / آنکه امر و نهی او مطلق بیزدان شماست

خواست موسی رو حق بیند بکوه طور لیک / من آل در خور ادراک و عرفان شماست

خورده از آب ثنا یا دلو آب زنده گی / ماء حیوان جرعه ئی آب حیوان شماست

حسن یوسف آفریدت زانشاید محترم گر / خالق حسن تو لیکن یوسف از غلامان شماست

گفته در وصف شما این بیت را عبد ذلیل / گر چه برتر زین فضائل رتبه و شأن شماست

لجه ای گر دون محیط آفرینش قطره ایست / قطره ئی از قلزم دریای احسان شماست

آنچه در معراج در قلب محمد وحی شد / الا کلام الله ناطق ثبت اطهان شماست

ای رضا جان ولی عزیز مصطفی نیز گل / پیش چشم شیعیان خار بیابان شماست

میشود در ملک عرفان تاج بخشی تاج بخش / بر که را تاج سر از خاک خراسان شماست

لفظ الله در رتبه از ابتدا یا انتها / یا نسیم صبح فیض بخش روح و ریحان شماست

پرتو خورشید و ماه و اختر سپهر آسمان / از فروغ شمع نورانی ایوان شماست

علم خلق اولین و آخرین چون قطره ای / در بر دریای علم و فضل و عرفان شماست

گر معانی بیت نظم را در بار کرم / میکنم از جان نثار بر سر خوان شماست

چون خدا بنده ثنا خوان شما من کیستم
تا بگویم معجزه شاها ثناخوان شماست

الفقیر

حضور محترم عماد العارفین والمتقین [illegible] الفاضلین حضرت آقای سرهنگ مدرسی نوری دامت بس از اهداء اسلام عاجزانه و تقدیم احترامات فائقه محترماً بعرض میرساند چند یکماه از راه لطف جویای حال بنده کمترین بوده اید اینکه پانزده بهمن ماه محترم بمشهد مشرف شدم در اثر تصادف یکطرف دستم مجروح شد بعد از بهبودی کسالت عازم گشت روی علاج و بعد در شانزده فروردین مشهد بنام اخلاص رفتم که فعلاً در این مکان تشریف روز کار عجیبی بر سر حرم با نام روان فرموده فقط با کرم بیت زبد عهدی ایام هنوز قصه غصه که در دولت یار آخر شد

الهی هر هیچ سالکی در راه خدا ماند بر من نبیند چنان استکه باید گفت در راه میکده ایران عمان بگردانید چند نامه با آشنایان تهران نوشتم که بنده در غربت در ماه ام و این عزل را ضمیمه کردم اگر ترک دیار و اقربا خوشبین کردم بغربت فو رفتم تا سر کوی وطن کردم

٧٨

٢

مرا در انجمن خواندند یاران موافق لیک — به تنهائی گرفتم انسی و ترک انجمن کردم

گریبان چاک کردم تا بدامان از پریشانی — که قبای نامرادی شد چو پیراهن بتن کردم

شدم راضی سپارم جان بغربت یار دیوانه — که آبرو و آرزوی خویشتن ترک کردم

الهی کافری چون من نباشد در جهان غمگین — ز من تنگ عمر را با حسرت و رنج و محن کردم

سر کوی شهیدانش ز خون گل پیرهن دیدم — از آن خونین کفن در بر بجای پیرهن کردم

لوحه آخر غم که از عشق قفسی ترک چمن کردم — نکرده هیچ مرغی در چمن کاری که من کردم

الا ای روسیه مینوازت بر من بخش ایدل — تماشا شمع مزار آرزوی خویشتن کردم

بیا بار دگر رویم ببینی در این دم آخر — ز بسکه مرگ نزدیک است من یاد کفن کردم

تو که در آستین داری هزاران معجزه عیسی

ز دام سحر خود رستن ز تو امید وش من کردم

با یک چنین شرح حالی از چند نامه که بتهران ارسال داشتم در مدت یک ماه و نیم دو فقره
جواب نامه بنده را از طهران فرستادند یکی بتفاوت دو تومانی و دیگری شش تومانی از چهار
دستگیری کرده و بقیه جواب نامه را ندادند الحمد لله که با آثار جهان فانی خوشحالم
در بر حال بنده که از گرفتاری چندی ماه قبل شما اطلاع ندارم چنانچه برایم تلگراف شده
بتراف حضرت ... ببرایم تخت پریشانم و روی جهت ... قصد تهران
رفتن ندارم در یک چنین روز چشم ... نظر رحمت برمن بگشا ...
[illegible]

هو

۵۲/۱۱۲

ص ۸۸

ای ادیب شهیر فرزانه و رهنمای آتی

خو ای اردو کار تو با ما غنائی

[illegible]

۱۰۹

نمره ۸۹

کتابخانه حضرت علی علیه السلام

(خانقاه خاکسار جلالی)

کرمانشاه

تلفن ۵۳۶۸

هو

جلال با کمال ارادت بزرگوار جناب آقای سرهنگ مدرسی امیدوارست که همیشه اوقات در ظل توجهات مولای متقیان
محفوظ بوده باشید اگر از راه لطف جویای حال فقیر باشید بحمدالله ملالتی نیست جز دوری [illegible]
همه را اشغال دارد و فقیر قصد آمدن به اهواز داشتم قبل از عید نوروز ولی پس از فوت [illegible] در [illegible]
نو عید داشتن فقیر را هم برای زیارت حضرت معصومه و در مراسم آن مرحوم شرکت نمودند و از آنجا به
اصفهان مسافرت کردم الان [illegible] که یکبار [illegible] هم و از لطف و آقای [illegible]
کمال تشکر را دارم که همیشه مورد لطف خدا تعالی قرار گرفته‌اند و [illegible]
که در این سال زحمت و محرم بوده باشید متاسفانه [illegible] [illegible]
[illegible] جمیع [illegible] [illegible] نمایند
ان شاء الله برای ۱۰ ده دوازده روز دیگر بخواست مولا به اهواز می‌آییم [illegible]
زیاده عرضی نیست سلامتی شما را از خداوند مسئلت

فقیر خاکسار میرطاهر

هو

۵۲/۳/۳

نمره ۹۰

ای که در گردان مقصود [illegible] آوری
رفتی چون شوره در دل شب گردانم
ای از [illegible] در رحمت آتی
[illegible] راه روزگار تو با ما غایبی

عرض [illegible] عالی [illegible] پس از تقدیم عرض [illegible]
[illegible] شاعرانه [illegible] پس از چندین سال انتظار
و آرزو تحقیق [illegible] از الطاف [illegible] و
[illegible] در [illegible] ۵۲/۲/۲۸
زیارت گردید [illegible] از [illegible] تا [illegible]
[illegible] تشکر عرض [illegible]
شنبه ۵۲/۳/۵ عازم زیارت [illegible]

[illegible] صلوات الله و سلامه علیه [illegible]
[illegible] از [illegible] که [illegible]
[illegible] ۱۷ [illegible]
العیاذ بالله من الشیطان والتقاذف من الرحمن
[illegible] از شیطان لعین [illegible]
[illegible] این [illegible]
[illegible] دیگر [illegible]
[illegible] تا [illegible]
[illegible] که [illegible]
اینکه اگر [illegible] قبول [illegible]
از [illegible] تاریخ [illegible] ۱۷۰ [illegible]

شروع فرمایید تا اینکه کتاب حضرت از طرف عالی
در این دنیا فارغ باقی بماند مرحوم [illegible] اوان
از بابک وارث [illegible] از قطب
سلسله جلیله ذهبیه اولاً در صدور ۲۰ جلد
که به چاپ [illegible] الاتمام شده لکن
حضرت عالی [illegible] الادبار
یک دوره [illegible] صفحات [illegible] گاه
در کتابخانه ۱۳۰۶ [illegible] اقبال [illegible]
[illegible] عکس [illegible] چاپ شده
تا [illegible] حال [illegible]
[illegible] چاپ شده عکس [illegible]
تصحیح [illegible] دارم پس از [illegible]

کامل و کلاه [illegible] و نزد از شما [illegible]
رساله [illegible] احمد از [illegible]
تا حالا [illegible] شده [illegible]
اگر [illegible] در [illegible] تبریز
ذیل [illegible] باشد
[illegible] باشد [illegible]
و السلام [illegible] علیکم [illegible]

حاج شمس الدین [illegible]

[illegible] تبریز [illegible]
کوچه [illegible] پلاک ۱۰۹
[illegible]

۵۲/۲/۱۰ هو ص ۹۱

عرض عالی [illegible] پس از تقدیم عرض سلام [illegible] از خاطر
مبارک [illegible] باشد چند سال قبل که [illegible]
عتبات عالیات [illegible] حضرت عالی را [illegible]
زیارت [illegible] داشتن شدم
[illegible] تا [illegible]
[illegible] تا اینکه [illegible] رسید [illegible]
[illegible] دارید
[illegible]
[illegible]
[illegible] عرض [illegible]
[illegible] باشم [illegible]

اول اینکه [illegible] سعیدیه
در [illegible] مرقوم داشتید [illegible]
[illegible] اگر رساله [illegible] چاپ شده
یک نسخه [illegible] ارسال [illegible] شده
ارسال فرمایید اگر چاپ نشده [illegible]
[illegible] شده که [illegible]
در صورتی که [illegible] از [illegible]
الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان
انه لکم عدو مبین والسلام علیکم و رحمة الله
و برکاته [illegible] حاج شمس الدین [illegible]

۲۲ ربیع ۹۰/ ۳/ ۱۱/ ۴۹

۱۲۱

نمره ۹۳

دانشمند محترم جناب [illegible] آقای [illegible] دام [illegible]

[illegible] و تقدیم [illegible] و [illegible] خاتمه [illegible]

شرح حال [illegible] ۱۳/۱۲/۲۳

تاریخ ۱۳/۳/۲۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] محمد [illegible] سال ۱۳۰۱ [illegible]

تصنیفات: [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳۰۵ [illegible]

[illegible]

تاریخ [illegible] سال ۱۳۲۷ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تهران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] شیخ [illegible] مرحوم حاج شیخ [illegible]

مرحوم حاج [illegible] جناب حاج آقای [illegible]

جناب [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

محمد حسن صبوری دیلمی

رودسر

تاریخ ۲ / ۲ / ۱۳۴۲

شماره

تلگرافی رودسر ـ صبوری

هو

نمره ۹۲

جناب آقای سرهنگ [illegible] صبوری [illegible]

در جواب نامه جناب که [illegible] و احساسات بزرگ شما بوده زیارت

گردید دیدم که در دوران زندگانی هستید با سعادت هم آغوش باشید تعویق

در ارسال جواب نامه که می‌توانم بگویم که خودم را لایق تقاضا [illegible] آنجناب

و در هر حال هم نتوانستم [illegible] جناب شما را بی جواب نگذارم در این صورت به

شرح بالا شرحی که حقیقت زندگانی فقیری بوده باقیست [illegible] به بودجه [illegible]

گردیده [illegible] دارد [illegible] را بودجه قبول قرار [illegible] در کتاب [illegible]

که تالیف [illegible] نشر گردد تقاضا [illegible] از توفیق [illegible]

[illegible] اطلاع دارید [illegible] که بودجه لزوم [illegible] ارسال دارید

[illegible] عموما خصوصا [illegible]

عموما خدمت خانم و [illegible] سلام [illegible]

محمد

۲۱

واقع چو بیت از سه ناصر الدین داماد الحکمت کشتیم در نفود مستقیم

ما سر خوش جرعهٔ الستیم — پیمانه شکستیم در نفود مستقیم

در دار وش می باقی دهر — از بستر داده زنگ جسم رستیم — بزرگ

آقای سید ناصر الدین آقامیر سید محمد از سادات جلیل و شریف گلدان است سالیان

دراز در دامن و محیط روحانی و علمی خاندان خود پرورش روحی شده چون از

آغاز رشد در نفود جوشش و خروش جویائی حق پیدا کرد در طلب حقیقت سیر آفاق

و انفس نمود چند سفر پیاده و سواره بعتبات عالیات پیاده و سواره مشرف

گردید تا از اشراقات کانون عشق و حقیقت که مولوی متعیان است

کسب فیض نماید و انوار زنده تابناک عشق الهی به آن دمیده شد شبها

و روزها مانند یک مجذوب سالک در قبرستانها و خرابه‌ها چیزهائی دید و شنید

که عقل معمولی معتقد اندازه الله باور کند بقول عارف بزرگ

من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر — من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش

در دریای ملکوتی و شفق بادی آن تا دو سر عشق نمود خود را بعمر ... رسید

و زیبا و هول انگیز و جلوه انگیز آن میدادند راه همانها ... در سواد

گوناگون و رنگارنگ به او راهها میدادند و او چون ... عالی ... عشق

بحقیقت بعد ... است چون و از ملکوت اعلی توجه داشتند و هم اینها

مقدمه سیر و سلوک خود می پنداشتند تا مرحله حق الیقین و عین الیقین رسیدند

لیکن ... عالم علوی ... دروجها زدند کم کم ... حقیقت

باغ آن نمودار گردید و داشتند که عشق الهی ... راه

زمین و زمان جماد و حیوان خود را عرضه اطاعت و انقیاد در ...

اگر این درها دربند دراهمیت بزرگ دغاکاران صحرا هستی با این عوالم نمودند و بخواب
خوابستند و استفاده های آنها را بهره ور گردند تا آنی که در عالم با استغنای با ایشان به جز همه
اعتنا نکرده بودند با لقمه نان جوین از ریاضات مشغول بوده‌اند و دزدی از جواهرات شده
و گنجهایی که در دکان طبیعت بودیعت بود برای مردان خدا انگیزه داشته نشده ارزشی قائل
نشده دراز همه منصرف شدند چون طالب حقیقت بوده مشتاق در سیر طریقت خود که راه
عراق و بیابانها سیر می‌کردند مردان خدا در مکانهای بزرگ روحانی اند و در یک
حاضر بودند آنچه در حقیقت ره خاصیت بعد از سالیان دراز بدست آورده‌اند در عالم
اخلاص نثار نشانه و از دو جهان بخوانند خود که هر دو عالم را با اوشه تقدیم دارند
و اگر گنجها می‌دیدند با مرور زمان فانی که شعار سیر و سلوک ایشان بهمه مهم توجهی
نکرده بسوی حقیقت رهسپار شدند این صفحات عجز از درویشی گفته رو با الله راه حقیقت
که بسیار هزاران سالک شاهد در تاریخ اقطاب و اولیاء و مردان بزرگ شده مثل سیزده مراتب
اما می شاید نداشته باشم و در علوم و فنون طب قدیم و شعر قدیم که ضرورت طلب
و علم جدید است ایشان استاد مشرف و صاحب آثار و کارها کرده است و سایر
شیدان گفت با ما که سراغ داریم نمی‌توانیم از ایشان سراغ نداشته باشیم دنیا
چون مردان خدا هیچگاه بر وزارت نوری نفس خود دامن در راه عمل زند در رگ ته
خاموشی و بیجا بسر میبرند صحیح است

امروز [illegible] در طلب بی خبرانند [illegible]

[illegible]

مع

راه راعبت الصوفی لا یملک ولا یملک درویش
واین مرتبه بالا کاخ است هر آنکسی که نفسه مطلقاً از صفا
از شریعت فانی شده و مع جذبه توان ارشاد راست
که در قصر ذات آرمیده و بحقیقة الحقایق پیوسته
و صوفی باید تجلیه با خلاق حمیده و صفات پسندیده نماید
و تخلیه از اخلاق ذمیمه و رذیله کند تا آن که تا متخلق
با خلاق رحمانیه و متصف بصفات نورانیه شوی
و صفات تو که ظل صفات الله است محو گردد
و بقای ذات احدیت و هویت احدیت حق الیقین
تو شود به نعت تصوف منعوت و صفات
موصوف نتوانی شد

ص ۹۵

آن شیخ که می‌بینی صد عقده که پیدا است

در شکسته شد کعبه در کلیسه [illegible] زنار است

چون تیر تمثل حق بر مریم عمرانی

عیسی مسیحا بود بر گنبد دوار است

منصور انا الحق گو حلاج نبود یدرا او [illegible]

هر کس مثل ما نزل به سردار است

آن سرکشته جدا از تن گوید که خدایم من

هر کسی کهن پیری مشهور به عطار است

در جمع سلطانی گوید که خدا اینجاست

آن شاهد بازاری در پرده اسرار است

دنیا همراه صوفیان خواهد شد

دین هم همه [illegible] خواهد شد

زان که همین موحد ابد اهل کفر

هم اوست که [illegible] خواهد شد

اثر سید علی مبدع تخلص کوثری

درویش تهرانی

گمنام [illegible] رقیه [illegible]

۴ اینها سخنان [illegible] سید ناصرالدین [illegible] که در کشور [illegible]

میرود [illegible] که [illegible] امامی تألیفی

دارند که حاصل مطالعات و تجربیات [illegible]

عمر [illegible] و فهرست آنها اینست

۱ - گلزار الطریقت

۲ - گلزار عمر مجموعه اشراقات

۳ - [illegible] المخفو

حدیقة الرموز در علوم خفیه

۴ - شرح خواص اسماء و [illegible] تاثیرات

۱۸ صفر [illegible]

نمره ۹۷

حضور مبارک حضرت اجل عالی

[illegible]

[illegible] دستور [illegible]

[illegible]

امضا [illegible]

کرمانشاه

(دبیر مجلل)

شماره ~~[illegible]~~

تاریخ ~~[illegible]~~

ری خلوها بسلام ۲ میزان

۱۳۱

نمره ۹۶

«دارالصفای دبیر مجلل»

[illegible]

[illegible] ۲۵۰

[illegible]

۲۵/۱۱/۲۳م

آقای محترم سرهنگ نورالدین مدرس چهاردهی

پس از عرض سلام وصول نامهٔ ۲۵/۱۱/۲۱م شما را اعلام میدارد.

[illegible] سؤال کرده‌اید و امید دارم همین یک نامه برای جواب همگان باشد (عاقل را اشاره‌ای کافیست)

(۱) [illegible] عالم دنیا عالم ناسوت عالم جبروت و عالم ملکوت میباشد

(۲) و (۳) [illegible] دوم و سوم - جنابعالی کتاب God Speaks را که از بیان خود شخص حضرت مهربابا است بخوانید

(۴) بعد از رجوع روح آن حضرت تا ۷۰۰ سال دیگر که تجلی میکنید تکلیف پیروان ایشان در طول این مدت چیست؟

جواب: [illegible] خدمت بنوع بشر (خدمت بنفس) و عمل بر دستورات من و خدا را از صمیم قلب دوست داشتن

(۵) آیا زن میتواند رهبر روحی مرد قرار گیرد؟ - جواب: بلی در صورتیکه زن بمرتبه خودشناسی نائل [illegible] یعنی وصال جانان نائل شده باشد - مرشد اول حضرت مهربابا گلرخ بانو از زنان افغانستان بوده و ایشان خودش بوصل خدا رسیده و خدا رسیده بوده‌اند.

(۶) اشکالی برایم پیش آمده و توجه معنوی حضرت را خواستارم تا رفع نگرانی از من بشود: ج - فقط شما از دل یاد حضرت مهربابا بفرمائید - و بهتر آنستکه در وقت شب پیش از خواب باندازهٔ پنج دقیقه از خلوص دل بابا را یاد بفرمائید - مشکل شما حل خواهد شد.

(۷) ارسال عکس با امضاء برای شما حالا مقدور نیست - چنانچه فقط عکس بابا بخواهید ممکن است از همان شخص که آدرس مرا بشما داده یا از مرکز اوتار مهربابا در تهران حاصل بفرمائید - ولی امضاء بر عکس صورت پذیر نیست مگر اینکه شما اول کار بابا را در ایران شروع بفرمائید - شما میدانید قانون عالم اینست که اول دانه نشانده میشود بعد زمین حاصل میدهد. اول عمل بعد حاصل عمل - مهربان بنده دو کتابچه هم برای شما امروز در پاکت فرستادم که یکی از جواب چند سؤال شما مربوط است و عکس هم دارد.

(۸) حل شد. (۹) اینگونه سؤالات را جواب دادن در محیط من نیست و از حضرت مهربابا هم نمیتوان پرسید زیرا ایشان اینگونه سؤالات را جواب دادن مقرون بصلاح نمیدانند - ولی هرگاه شما بخلوص دل از ایشان بطلبید البته شما را در عالم خواب آگاه خواهند کرد - در آن صورت شما باید بکسی دیگر اظهار نفرمائید - سه هفته پیش در عالم خواب ایشان بمن ظاهر شدند و جواب یک چنین سؤالی را دادند.

(۱۰) برای رسیدن بحد کمال خدمت گزینی لازم نیست - در حقیقت هم [illegible] - اصل چیزی که لازم است محبت و دامنگیری حضرت مهربابا و غرق بودن در یاد ایشان و نوع دوستی و خدمت بنفس به مردم است همه چیز در همین است. برای [illegible] لیاقت باید [illegible] لازم است - بدون [illegible] کاری است که دیگر جان را بوصال جانان برساند - من و شما [illegible] فقط [illegible] لازم است

ص ۹۹

فیلادلفی ۲۳ شهریور ۱۲۴۴

حضور [illegible] جناب [illegible]

[illegible] در درگاه حضرت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

TEHRAN
IRAN

تهران، شهر بازی [illegible]
اداره [illegible]
آقای [illegible]

SENDER'S NAME AND ADDRESS:
A.A. Shapurjaman
c/o Adi K. Irani
Kingo Road
Ahmednagar (M.S.)
INDIA

PAR AVION
AEROGRAMME
NO ENCLOSURES ALLOWED
FIRST FOLD

شمس تبریز میفرماید: آنانکه طلبکار خدائید خدائید - بیرون ز شما نیست شمائید شما اید
چیزی که نکردید گم از بهر چه جوئید - واندر طلب گم نشده بهر چرائید

از شما خواهش میکنم دیگر نامه ننویسید و آدرس مرا بکسی دیگر ندهید - بنده معذرت زیاد دارم رنجیده ام اگر
بدهم. آگهی: کتاب گاد اسپیکز (God Speaks) از حضرت مهربابا (در تهران موجود است) یک خزینه عرفان، معلومات
اسرار راه طریقت است. فقط خواندن همین یک کتاب شخص را از خواندن بسیاری کتابهای دیگر بی نیاز
میکند: این کتاب مملو از نکات روحانی است. ترجمه فارسی این کتاب در ایران تحت تهیه است، و تا حالا
بچند زبان زنده عالم مثل آلمانی فرانسوی - هندی - تیلگو تهیه و چاپ شده است. بشما توصیه
میشود بدون فوت یک دقیقه وقت این کتاب را بدست بیاورید و بخوانید - این کتاب بانگلیسی است
چاپ امریکا - قیمت آن با خرج پست ۵۰ روپیه است - و در چندین کتابخانه های تهران برای استفاده
مردم نهاده شده و موجود است. با تقدیم احترامات و دعاگو - علی اکبر [illegible]

هو العلی العظیم

[illegible]

[illegible] ۱۳۸۰ [illegible]

FIRST FOLD

AÉROGRAMME • PAR AVION

TEHRAN

[illegible]

11c

AIR MAIL

U.S.A.

SECOND FOLD

۱۷۹/۲۷

ص ۱۰۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ص ۱۰۲

بسم تعالی شأنه العزیز و صلی الله علی محمد و آله

الله یعلم ما تسرون و ما تعلنون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین

کله و کفی بالله شهیداً [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حتی یردا علی الحوض [illegible]

[illegible]

بسمه تعالی

اینجانب حیدر تهرانی شهرت باوندی فرزند حاج مرشد احمد آقا لسباغ که در اثر سرودن کمی تخلّص خزان بود،
استقبال (خواهم ایدل محو دیدارت کنم) از جناب حسن علیشاه رضوان الله علیه در رؤیای خوشی حضرت علی بن
موسی الرضا صلوات الله علیه را زیارت کردم که فرمود تخلّص شعر خود را معجزه بگذار. از سن سیزده چهارده سالگی پدرم مرا
به جلسات با خود میبرد از آنجمله [جلسه] شیخ رجبعلی خیاط رحمة الله علیه بود. از همان سنین اوراد را
بسیاری داشتم و مشاهدهٔ انوار بسیاری کردم. چون آن حال اوج گرفت در جوا[نی]
در شبانه روز بیش از ۳ تا چهار ساعت بخواب نمیرفتم. مشاهده انوار بصورت خل[...]
بخصوص در آمده بود که در کار خیر تشویقم میکرد و از کارهای ناستوده نهیم مینمود. خاطره
از آن دوران در ذهن دارم ذکرش که سبب حال گذرای میشود و در همان ابتدای سیر
در منزل پدرم از خواب بیدار شدم تا چشم باز کردم صحرائی وسیع دیدم و درختی در آن بود
در زیر آن کهنسالی با موهای سپید رو به قبله دست بسوی آسمان دراز کرده بود و گفت
به درخت آویخته بود از این مشاهده که بیش از چند لحظه طول نکشید با خود گفتم که
بیش از پیش متوجه خداشدنی بود و مشاهدهٔ نوری که آموزنده بود تا سن چهل سالگ[ی]
داشت و در شرح حال منظومی گفته ام: تا چهل ساله شدم آن نور برد [illegible]
ضمناً راجع به شهود انوار که برای سالک دست میدهد شرح مفصّلی در جلد دوم مهتاب الولایه
امید طبع آنرا مانند جلد اوّل دارم، داده ام. در اینگونه امور همانطور که گفته اند اگر چندین تن
وصف عطر گل کنند و آن کس پی به عطر گل میبرد که بوئیده باشد پس ذکر مطالبی که ماورای حِ[س]
بستگی دارد، به وصف تنها نمیتوان دریافت و هر کس هم بهره ای از مشاهدات غیبیه داشته با[شد]

در شب ۱۹ ع ۱

[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت شیخ [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

(۲)

۱۰۱

این بسا ذکر آن برای دیگران اعجاب آور یا مورد انکار قرار گیرد، امّا از آنجا که باید به پیروی انبیای
عظام حقایق گفته شود تا حدّ مقدور و لو آنکه مورد انکار بعضی قرار گیرد این مطلب را ذکر
میکنم: آنچه راجع به سید مهدی بحر العلوم تحقیقی شنیده شده که زیارت حضرت حجّت
عجّل الله تعالی فرجه برای او دست میداده. خدا را که بیشتر از آن برای بنده حاصل است.
چون بنا بر شرح حال است تذکّر داده میشود که بیش از صدها بار بلکه اکثر شبها
حضرت معصومه علیها سلام را بعناوین مختلف زیارت کرده‌ام و دو دیوان در وصف
آن بانو ترتیب داده‌ام که جلد اول آن بنام لمعات عشق دو هزار نسخه به طبع رسیده است.
زمانی در کربلا مشرّف بودم هنگام مراجعت ماشین سرنگون شده بعضی جان سپردند و
مرا جبین شکست که در اثر تزریق خون بهبودی حاصل شد. با حال از دست داده‌ای زیارت
کردم حضرت ابوالفضل علیه السّلام را که فرمود ما به تو عمر دوباره دادیم و تو باید مدّاح آل محمّد ص
باشی. زمانی دیگر حضرت حجّت عج فرموده تو مبلّغ مکتب عرفان و سالها در [illegible] خواهی بوده برحسب
موهبت آن ذوات مقدّسه با سواد کمی بیست کتاب ترتیب داده‌ام که بعضی از آنها
به طبع رسیده است. از آنجمله هفت جزوه میباشد. اکنون سالهاست که متروداً در غربت
بسر میبرم و آن نیز در اثر اسرارات با تفصیل است. حدوداً هشت سال در مشهد مقدّس بودم
و پنج سال در قم برای طلّاب امور دینی غذا طبخ میکردم. اکنون که سال هزار و سیصد و هشتاد و
هفت قمری است. بنا بر هفت سال از سنّم میگذرد. و قریب دوازده سال میباشد که
حال را استعفای کسب نیست. یکی از دوستان در اثر خوابی که دیده بود و شرح حالی از بنده
نوشته. لکن مرا تا این تاریخ موافقت با طبع آن نبوده تا برای [illegible] در این مورد

این مختصر برحسب فرمایش حضرت آقای سرهنگ نوری مدرّسی دام بقائه العالی [illegible]
بدلول و أمّا بنعمة ربّک فحدّث یاد آوری میشوم تا جائی مشمول مراحم آ[illegible]
مقدّم بودم که شرح آن در این مختصر نگنجد در خاتمه شعری از آخر دیوان عنوانیام ذکر میکنم:

الا تا ز تین ضم که تو را [illegible] معجزه — عشق تو هست رونق بازار معجزه
عاشق نه مکتب عشق تو ساخت — تعلیم درس عشق تو بود کار معجزه
کس بود هیچکس دل نه بسته‌ام — یاری نبوده غیر تو دلدار معجزه
دلها اسیر طره یار بود ولی — پابند زلف توست دل زار معجزه
ماه دل فروز چو آمد کنار من — روشن چو روز گشت شب تار معجزه
[illegible] خواست راز خویش کند فاش برملا — با دست لطف برده ز اسرار معجزه
[illegible] شد بیان دوست ز من نیست عجب — سحر حلال جمله گفتار معجزه
سال هزار و سیصد و هشتاد و هفت بود — این غنچه ها دمید ز گلزار معجزه

ص ۱۰۷

کرمانشاه
(دبیر مجلس)
شماره [illegible]

[illegible]

[illegible]

ص ۱۰۶

[illegible] Peter Willey [illegible]

Auchinleck [illegible]

[illegible]

۴۲/۹/۲۱

محمد حسن صبوری دیلمی

تاریخ ۴۳/۶/۲

شماره

تلگرافی دودمی - صبوری

صفحه ... ۱۰۶

دودمی

هو

محمد حسن صبوری دیلمی خادم الفقراء متولد دیلمان سال ۱۲۷۷ [illegible] از [illegible] سالگی [illegible]

برای یک دوره تحقیقات عمیق فکری در اطراف سلسله‌های مختلف تصوف و گروهی در آثار [illegible] خراسان [illegible]

داخل [illegible] و مقدمات [illegible] بزرگان [illegible] طریقت از جمله [illegible] قطب سلسله [illegible]

[illegible] قطب سلسله [illegible] و مرحوم حاجی عباسعلی کیوان و مرحوم [illegible] و مرحوم [illegible] و مرحوم حاجی [illegible]

[illegible] و مرحوم سید محسن [illegible] و مرحوم شیخ محمد [illegible] و مرحوم [illegible] و مرحوم شیخ عبدالله [illegible] از مشایخ [illegible]

و مرحوم صدر الشریعه و مرحوم میرزا [illegible] و مرحوم حاجی [illegible] از مشایخ سلسله ذهبی و مرحوم میرزا [illegible] معصوم زاده معصوم علیشاه

و مرحوم [illegible] و مرحوم بحر العلوم و مرحوم سید [illegible] داودی [illegible] از سلسله نعمت اللهی را ملاقات [illegible]

[illegible] بزرگان در حد فهم خویش توانستم اطلاعاتی از حقیقت فقر بدست آوردم تا [illegible] مطلوب و مقصودم حاصل گردد

در سال ۱۳۱۵ به اتفاق معصوم علیشاه به تهران آمده خدمت مرحوم حاجی عبدالحسین مونس علیشاه ذوالریاستین قطب سلسله [illegible]

رسیدم [illegible] از [illegible] نفس [illegible] صورت [illegible] چون عاشق [illegible] دست ارادت

[illegible] دراز کرده مورد قبول قرار داده مشرف بفقر شدم [illegible] در سال ۱۳۱۷ [illegible] را

[illegible] جمع [illegible] از [illegible] جمع کرده طبق دستور مشغول [illegible]

در سال ۱۳۱۸ مرحوم حاجی عبدالحسین مونس علیشاه به [illegible] تشریف آوردند توفیق زیارت حاصل شد [illegible]

[illegible] نفس [illegible] راه حقیقت [illegible] گردد [illegible] مرحوم حاجی عبدالحسین ذوالریاستین

۴۱/۹/۱۲

۱۲۱

ص ۱۹

ذوالریاستین

جناب آقای [illegible] نامه مورخه ۱۷/۹/۱۳۴۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صالح علیشاه [illegible]

[illegible] برادران [illegible]

سرهنگ محمود فروزنده [illegible] ص ۱ ۱۱۰۹

[illegible]

دوست نادیده ارجمند مرقومه [illegible] زیارت شد [illegible]
قرار داد [illegible] که [illegible]
[illegible]
[illegible] از [illegible]
[illegible] آن [illegible]
[illegible]
دعوت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ص ۲ ۱۱۱۰

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا ایها الذین آمنوا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شیخ محمود [illegible] (هو الحق) ۱۱۳

آمد برون ز خلوت جلال شاه عشق

[illegible]

[illegible]

[illegible] اوزان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اقدام فرمائید [illegible]

۲۲/۱۱/[illegible]

---

۴ ۱۱۴

و در این طبقه [illegible]

[illegible] والذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عشق [illegible]

[illegible] عاشق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱- مخلصین - [illegible]

خداوندگارا نمره ۱۱۹

تصدق آستان مبارکت گردم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عباس
[illegible]
شیخ سلطان
[illegible]
[illegible]

۴

نمره ۱۱۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۳- [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۶/۱/۵۹

نامه‌های این دفتر که جزو اسناد کتاب این ناچیز که بنام (اسیری در تصوف) است به کتابخانه عمومی پر ارج (مجلس شورای ملی) زمان ریاست فرزانه پاکنهاد آقای هاشمی تقدیم میدارد

نورالدین مدرسی چهاردهی

مدرسی

۱۱۵ برگ

۱۱۵

برگ